

ارائه الگوی مطلوب شهر خلاق در کلانشهر تهران

رضا مافی^۱، محسن قدمی^۲، محمد مهدی مظاهری^۳، فاطمه فراهانی^۴

چکیده

شهر خلاق مرکز نوآوری، خلاقیت و تبدیل ایده به ثروت قلمداد می شود و داشتن چنین شهری آرزوی ایده آل جوامع برتر می باشد. از منظری دیگر طراحی مداوم ایده های تازه و نوآوری عناصر اصلی رقابتی در عصر جهانی شدن هستند. حرکت به سمت ایجاد و تحقق شهر خلاق در توسعه اقتصادی بسیار ضروری است. بنابراین، ارائه مدل شهر خلاق در ۲۲ منطقه شهری تهران یکی از اولویت ها و هدف اصلی است که با بهره مندی از داده های ثانویه، تهیه پرسشنامه و استفاده مناسب از راهکار نرم افزار SPSS، شاخص های خلاقیت با ۱۹ فاکتور از شاخص های شهر خلاق رتبه بندی و سطح بندی شده اند. مطالعات حاکی از این واقعیت است که از لحاظ شاخص های شهر خلاق میزان برخورداری مناطق تهران همگون نیست. با این وجود اولویت بندی بدست آمده از مدل تاپسیس سه سطح متمایز را نمایان می سازد: (۱) سطح برخوردار؛ (۲) سطح نیمه برخوردار (متوسط)؛ (۳) سطح فرو برخوردار (محروم). نتایج پژوهش نشان می دهد از یک طرف افزایش و بهبود معیارهای شهر خلاق تأثیرات خود را در حرکت محلات شهر به سوی تحقق شهر خلاق می گذارد و از طرف دیگر میزان این تأثیرگذاری بسیار متفاوت است به گونه ای که براساس مدل تحلیل شبکه شاخص معیارهای نوآوری با نشان دادن رقم ۰/۲۶۵ بیشترین تأثیر را در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در تهران را دارد. در این بین تعدد مراکز علم و فناوری، نوآوری و اختراعات بیشترین نقش را در تحقق محله خلاق تهران را دارد؛ با این وجود فاکتور سرمایه های انسانی به ویژه نخبگان و دانشجویان، سرمایه های اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و تعاون بیشترین نقش را در تحقق محلات خلاق در بهبود مسائل شهری دارند در مرحله آخر، کیفیت زندگی نیز در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر موثر است. محاسبات ضریب همبستگی چند گانه نشان می دهد که ۰ / ۳۹ درصد از تغییرات تحقق محلات خلاق شهر تهران ناشی از بهبود و افزایش به کارگیری مولفه های شهر خلاق است به گونه ای که به ازای یک واحد تغییر در اثر انحراف معیار، معیارهای تحقق شهر خلاق ۰/۶۲ درصد واحد تغییر در تحقق محلات خلاق شهر تهران ایجاد می کند.

واژگان کلیدی: شهر خلاق، نوآوری، سرمایه انسانی، کیفیت زندگی، مدل تاپسیس، تحلیل شبکه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۲۱

^۱ دانشجوی دکتری، رشته مدیریت فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: sanatgaran.sh@gmail.com)

^۲ استادیار گروه ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: m.ghadami@srbiau.ac.ir)

^۳ استادیار گروه ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: mmdmt39@gmail.com)

^۴ استادیار مدیریت فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: f_farahany@yahoo.com)

مقدمه

مطالعات نشانگر این موضوع است که توسعه شهری یکی از بحث‌هایی که با رویکرد فرهنگ محور مطرح شده نظریه «شهر خلاق» است. در این راستا مفهوم «طبقه خلاق» که در اوایل دهه گذشته توسط افرادی نظیر آلن اسکات، ریچارد فلوریدا، چارلز لاندری، ری و اندرسون مطرح شده و مورد استفاده قرار گرفت، در مدت زمانی کوتاه جایگاهی اساسی در ادبیات توسعه شهری پیدا کرد. از میان این متفکران ریچارد فلوریدا در بیان موضوع و نهادینه کردن این مفهوم جایگاهی ویژه دارد. ادراک او از طبقه خلاق به دوره ای از حیات سرمایه داری مربوط می‌شود که اطلاعات از اهمیت خاصی برخوردار است. واژه اطلاعات در معنایی گسترده به تمرکززدایی از کانونهای قدرت و بازآرایی مدام این کانونها و ظهور «شبکه» فرامکانی و فرازمانی منجر می‌شود که در نهایت ظهور جوامع دانش محور را سبب می‌شوند. در چنین جوامعی، مفاهیم گذشته دیگر همان معنای سابق را ندارند و دانش دیگر امری که صرفاً متخصصان از آن برخوردار باشند قلمداد نمی‌شود بلکه امری است عجین شده در فرهنگ گروه‌های گوناگون که قادر است با جلب مشارکت تمامی گروه‌های اجتماعی در شبکه روابط شهر گسترش و فرایندهای توسعه را به گونه‌ای منظم و غیر مرکز گرا هدایت نماید. در این میان به ویژه طبقه خلاق نقشی کلیدی بازی می‌کنند. به نظر می‌رسد که اگر در گذشته جذب کارگر ماهر و نیمه ماهر مدنظر بود، اکنون رقابت در جذب کسانی است که در زمینه تکنولوژی و اطلاعات مهارت دارند. امروزه رقابت اصلی در فرایند جهانی شدن بین دولت‌ها و ملت‌ها نیست بلکه میان مراکز شهری می‌باشد. شهرها، سعی می‌کنند محیطی را فراهم سازند که متخصصین راغب شوند در آن محیطی زندگی کنند و در مقابل تخصص خود را بدون دغدغه در اختیار جامعه قرار دهند (Seifeddini & et al, 2007). اما باید توجه داشت که این مزیت‌های رقابتی در هر مکان و هر شهری مستقر نمی‌شود و باید شرایطی برای آنان فراهم شود (Musterd, 2010). شهرهای موفق در این زمینه فقط مراکز اصلی شهری معروف به شهرهای جهانی که امتیازات منحصر به فردی در زمینه فعالیت‌های جهانی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در بالاترین رده سلسله مراتب شهرهای جهانی به خود اختصاص داده‌اند نیستند (Sasaki, 2008) بلکه شهرهایی که شرایط لازم را برای پوشش خلاقیت‌ها و جذب عناصر خلاق ایجاد نموده‌اند در این میان موفق عمل می‌کنند.

در واقع شهر باید بتواند محیطی جذاب برای جذب و پرورش استعدادها، نوآوریها و ایده‌های خلاقانه باشد و از خلاقیت افراد خاص همچون هنرمندان، دانشمندان، نویسندگان، شهروندان عادی و حتی دگراندیشان در جهت حل مسائل اساسی در جهت پایه ریزی و برنامه ریزی توسعه ای خلاق بهره‌بردار. بنابراین شهر خلاق، دارای رویکردی فرهنگی در توسعه شهری است. در این نگرش، فرهنگ پایه اصلی توسعه محسوب می‌شود و دیگر بخشها تحت نظارت آن قرار دارد به گونه‌ای که اساس اقتصادی این شهرها نیز بر پایه فرهنگ و منابع فرهنگی است و از مفاهیمی چون صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و اقتصاد خلاق سخن به میان می‌آید. جذب و پرورش استعدادها و ایده‌ها نیازمند محیطی تنوع‌پذیر، بردبار و باز است. بطوریکه افراد خلاق بتوانند به راحتی در آن فعالیت و کار کنند. در این پژوهش برای تحقق پذیری شهر خلاق با شکوفایی قوی فرهنگ، هنر، خلاقیت و نوآوری می‌توان سناریوی چهارگانه زیر را طرح ریزی نمود که شامل این موارد است: سرمایه‌های انسانی خلاق، کیفیت زندگی، زمینه‌های نوآوری و سرمایه اجتماعی. بنابراین چالش اساسی پژوهش این است که در راستای هدف اصلی پژوهش حاضر، امکان پیاده نمودن الگوی مطلوب شهر خلاق در کلان شهر تهران وجود دارد؟ این پژوهش به منظور دستیابی به چنین الگویی، ضمن مطالعه و بررسی موضوع در سایر کشورها، عناصر تأثیرگذار را شناسایی و سپس با در نظر گرفتن ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی ایران به طراحی الگوی شهر خلاق در تهران پرداخته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ناکارآمدی طرح‌ها و برنامه‌هایی که با رویکردهای غیر مشارکتی، تکنوکراتیک، اقتصاد-محور و کالبد-محور تنظیم شده‌اند، از عمده جنبه‌های اهمیت موضوع می‌باشد. این طرح‌ها بدون توجه به فرهنگ و توانمندی‌های مشارکتی از حالتی ایستا پیروی می‌کنند

و پویایی و سیال بودن بسیار زیاد شهر بزرگی همچون تهران را در نظر نمی گیرند. از این رو از ماهیتی غیر انعطاف پذیر برخوردار بوده و به واسطه عدم انطباق با شرایط نه تنها کمتر به نتیجه می رسند بلکه هزینه های اضافی بر بودجه شهرداری تحمیل می کنند. در شهر تهران توانمندی های عظیم فرهنگی بسیاری وجود دارد که بهره گیری از این سرمایه های را کد ضرورت انکارنا پذیر می باشد. ضمن آنکه این سرمایه به واسطه ماهیت خود، در صورت عدم استفاده به هنگام به «سرمایه مخرب» بدل می گردد و این موضوع خود به خود مانع توسعه خواهد شد. حجم بسیار بالای طبقه خلاق جامعه شهر نشین تهران و اقبال این طبقه به سوی مشاغل و فعالیت های خلاق و همچنین وجود صنایع فرهنگی در نقاط مختلف تهران که به نحو بارزی در حال گسترش هستند نمایانگر ضرورت استفاده از این سرمایه هاست. نتایج مثبت توسعه خلاق در شهرهای مختلف جهان نمایانگر کارایی مناسب این رویکرد جدید توسعه ای در این شهرها بوده است. با توجه به اینکه بومی سازی دستاوردهای دیگر نقاط جهان از اولیتهای برنامه ریزی در اسناد مختلف توسعه ای کشورمان قلمداد شده است این امر باید در کانون نگاه متخصصان و برنامه ریزان قرار گیرد (Ghadami, 2017). پویایی و سیال بودن تهران به واسطه تنوع موجود در آن که خود ناشی از پدیده هایی نظیر مهاجرتها، تغییرات فرهنگی، توسعه اقتصادی، جهانی شدن و ... می باشد ضرورت به کارگیری رویکردهایی که با این پویایی و تنوع انطباق داشته باشند را ایجاب می نماید. در چنین شرایطی دیگر روش های برنامه ریزی ایستا و پایدار که به تنوع توجهی ندارند نمی توانند عمیاتی شوند.

اهداف پژوهش

این پژوهش شامل اهداف زیر می باشد.

هدف اصلی

هدف کلی این تحقیق، «تدوین الگوی مطلوب شهر خلاق در کلانشهر تهران از طریق ظرفیتهای فرهنگی کشور» می باشد.

اهداف فرعی

۱. تعیین قابلیت ها و توانمندی های هر یک از مولفه های شهر خلاق در تحقق پذیری شهر خلاق در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران.
۲. تعیین ابعاد و مولفه های موثر در الگوی شهر خلاق در مناطق شهر تهران
۳. ارائه راهکارهای متناسب برای رتبه بندی مناطق شهر تهران از نظر میزان خلاقیت
۴. شناسایی عوامل اثرگذار بر شهر خلاق در تحقق پذیری شهر خلاق در مناطق شهر تهران.
۵. تعیین موانع اثرگذار بر هر یک از مولفه های شهر خلاق در تحقق پذیری شهر خلاق در مناطق شهر تهران.
۶. تدوین راهکارهای رسیدن به شهر خلاق در تهران

مفاهیم اساسی تحقیق

شهر خلاق^۱: شهری است که به دلیل اهمیت زیبایی شناختی و توانایی آن برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات مورد احترام است، جایگاه تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت در تمام اشکال آن مورد تشویق قرار می گیرد. مردم می توانند در زندگی روزمره خود از فعالیتهای خلاق لذت ببرند. الف) تعریف مفهومی: "نظری شهر خلاق که نخستین بار توسط ریچارد فلوریدا مطرح گردید، یکی از رویکردهای نوین در برنامه ریزی شهری است که بطور کلی بر بالابردن کیفیات زندگی بشر به خصوص جذب و حفظ طبقه ای تاثیرگذار (که فلوریدا آنها را طبقه خلاق می نامد) تاکید دارد. شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت ها در دینامیک شهرهاست، شهر خلاق منزلی برای خلاقیت های هنری، نوآوری های علمی و تکنولوژی و صدای رسای فرهنگ های روبه رشد است. (Ebrahimi, 2008)

شهرهای خلاق به عنوان مراکز نوآوری، خلاقیت و تبدیل ایده به ثروت، قلمداد می گردند. از آن جا که ایده و نوآوری عناصر اصلی رقابتی در عصر جهانی شدن، هستند؛ داشتن شهر خلاق، آرزوی هر جامعه ای است. شهر خلاق، شهری است که به دلیل اهمیت

^۱ . Creative City

زیبایی شناختی و توانایی آن برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات مورد احترام است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت در تمام اشکال آن مورد تشویق قرار می‌گیرد. مردم می‌توانند در زندگی روزمره خود از فعالیتهای خلاق لذت ببرند. خلاقیت یک اصل اساسی برای انسان بودن و یک منبع حیاتی برای فرد، جامعه و حیات علم اقتصاد است. جوامع خلاق پر جنب و جوش و دارای اماکن انسانی، پرورش دهنده رشد فردی، درخشان در پیشرفتهای فرهنگی و تکنولوژیکی، تولیدکننده شغل و ثروت و پذیرای تنوع شیوه زندگی و فرهنگ هستند. شهر خلاق یک مجتمع شهری را توصیف می‌کند که فعالیتهای فرهنگی بخشهای مختلف آن، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد شهر و کارکرد اجتماعی آن را تشکیل می‌دهد. چنین شهرهایی بر مبنای یک زیرساخت فرهنگی و اجتماعی محکم بنا می‌شوند و به واسطه تسهیلات و امکانات فرهنگی ممتازشان، مرکز ثقل اشتغال خلاق و سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت خود جلب می‌کنند. (Shahabiyan & Rahgozar, 2012)

شهر خلاق، دارای رویکردی فرهنگی در توسعه شهری است. در این رویکرد شهر باید بتواند محیط جذاب برای جذب و پرورش استعدادها، نوآوریها و ایده‌ها باشد و بتواند از ایده و خلاقیت افراد چه افراد خاص و ویژه مثل هنرمندان، دانشمندان، نویسندگان و چه از ایده‌های شهروندان عادی در جهت حل مسائل اساسی و نیز در جهت پایه ریزی رشد و توسعه ای خلاق بهره‌بردار. در این نگرش، فرهنگ پایه اصلی توسعه محسوب می‌شود و سایر بخشها از آن متأثر است.

اساس اقتصادی این شهرها نیز بر پایه فرهنگ و منابع فرهنگی است و از مفاهیمی چون صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و اقتصاد خلاق سخن به میان می‌آید. جذب و پرورش استعدادها و ایده‌ها نیازمند محیطی تنوع‌پذیر، بردبار و باز است. بطوریکه افراد خلاق بتوانند به راحتی در آن فعالیت و کار کنند. یک شهر خلاق باید بتواند گروههای مختلف اجتماعی با فرهنگهای مختلف را در خود پذیرا باشد. چرا که وجود یک جمعیت متنوع با ایده‌های گوناگون شانس ظهور خلاقیت را افزایش می‌دهد. لازمه این کار نیز تنوع بخشیدن به فرصتهای اشتغال، کار و تفریح است.

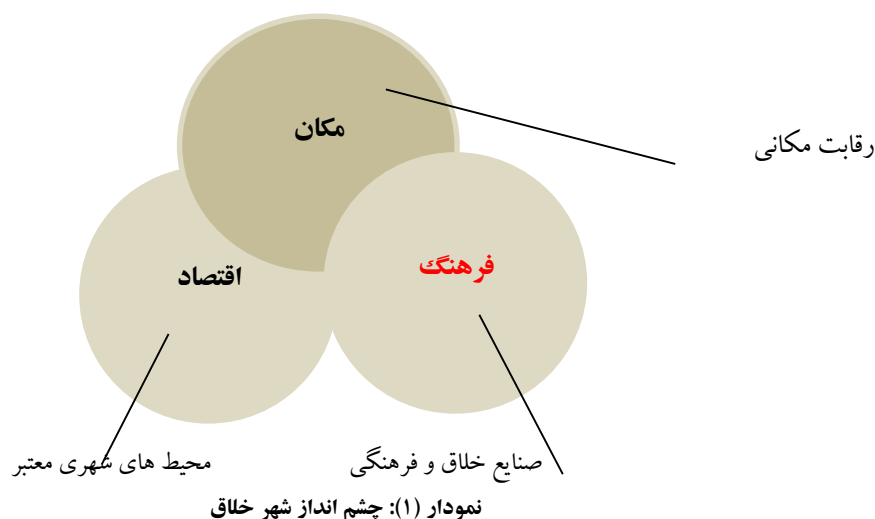
اگر شهری موفق به جذب افراد خلاق و به کارگیری آنها در مدیریت، اقتصاد و صنایع فرهنگی باشد می‌تواند در صحنه رقابت و توسعه اقتصادی نیز موفق عمل نماید. در نهایت باید گفت رویکرد شهر خلاق با نگاهی خلاقانه به امکانات و مسائل موجود، حل خلاقانه مسائل و استفاده هوشمندانه از فرصتها و امکاناتی که به نظر شاید کم اهمیت جلوه نمایند را مد نظر دارد.

هدف شهر خلاق، مشتمل بر جذب نهادها، افراد و شرکتهای خلاق در فعالیتهای مرتبط با شهر و همچنین ایجاد زمینه درک شهر و همچنین ایجاد زمینه درک شهر به عنوان یک پدیده خلاق است. این امور، از طریق تشویق سازمانهای خلاق، برای جذب در مجموعه مدیریت شهری و تشویق و مشارکت افراد خلاق در تصمیم‌گیریها و افزایش اثر این تصمیمات در محیط شهری است. حمایت از نوآوری در عرصه‌های مختلف شهری، به ویژه عرصه هنری و ایجاد فضاهای لازم برای انجام این امور از جمله سایر فعالیتهای لازم در این محور است (Hkansefidi, 2012). یک شهر خلاق محیط مساعدی برای تربیت خلاقیت انسانی است و زمینه پرورش خلاقیت ساکنین خود را نیز فراهم می‌آورد. این شهرها فضای پویا و سالمی دارند و به سرعت خود را با ایده‌های جدید سازگار می‌کنند. همچنین گروه‌های جدید مهاجر را به راحتی در خود جای داده و به هم سازی و همزیستی خلاقانه آنها کمک می‌نماید. ایده شهر خلاق در دهه ۱۹۸۰ در دنیا ظهور کرد. ظهور این ایده تلاشی برای بازسازی شهر در سطح جهانی بود. اما شروع عمومی‌تر این ایده به دهه ۱۹۹۰ بر می‌گردد. عنوان شهر خلاق نخستین بار توسط یونسکو مطرح شد. اما معنایی که در آن روز مدنظر یونسکو بود، با مفهوم امروزی شهر خلاق کاملاً متفاوت است (Rezaeiyan & Gharagozlo, 2012). ایده شهر خلاق بر این باور است که باید بر عنصر مکان، خارج از صنعت و به عنوان محیطی که کیفیت زندگی انسان را بالا می‌برد، تاکید کرد. ساکنان شهر نیز در دوران گذشته به طبقات کارگر و سرمایه‌دار تقسیم می‌شدند، اما در قالب مفهوم شهر خلاق، به طبقات خلاق و غیر خلاق تقسیم می‌شوند. طبقه خلاق حامل دانش است و بار اقتصاد دانش محور بر شانه افرادی است که در شهرها زندگی می‌کنند؛ و دارای تخصص کافی هستند. در هم آمیختگی سرمایه‌گذاری، مکان و انسانها، باید به پنج نوآوری برسد: نوآوری در حوزه مدیریت شهری،

مسائل مدنی، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و مسائل فرهنگی و هنری. شهر خلاق در قرن ۲۱ به معنای شهروندان خلاق است (Kalantari & et al, 2012). شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیتها در دینامیک شهرها است. شهر خلاق منزلی برای خلاقیتهای هنری، نوآوریهای علمی و تکنولوژیکی و صدای رسای فرهنگهای رو به رشد است. شهری که همه پتانسیل های خلاق خود را جامه عمل می پوشاند و پرچم دار فعالیتهای فرهنگی و توسعه ای است. یک شهر خلاق یک شهر دینامیک از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند اطمینان خاطر به استفاده از ظرفیتهای علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود دارد (Rafiean, 2010)

اساس شهر خلاق را می توان در سه زمینه اقتصاد، فرهنگ و مکان در نظر گرفت. محیط های قابل اعتماد شهری با آزادی های تفریحی و فرهنگی مدیریت می شوند تا افراد خلاق را جذب و حفظ کنند.

اقتصاد و فرهنگ یکپارچگی ایجاد نماید. این نیروی کار در عوض، ثروت را در اقتصاد دانش گسترش می دهد. شهرها برای تولید ثروت، باید محیط های شهری قوی از نظر فرهنگی از طریق برنامه های بهتر که بین مکان، اقتصاد و یکپارچگی، ایجاد نماید، بسازد. شهرها به عنوان نظام های فرهنگی درک می شوند، که توسط میراث انسانی و طبیعی شکل گرفته اند و محصول ارزش ها و عقاید شهروندان خود است (Authenti, 2008).



ارکان شهر خلاق

شهر خلاق دارای ارکانی است که می توانند شهر خلاق را ایجاد نمایند. مردم، بنگاه های اقتصادی، فضاها، پیوندها و چشم انداز پنج رکن اصلی شهرهای خلاق می باشند که توجه به این ارکان برای ایجاد و توسعه شهرهای خلاق در آینده حیاتی است (Kanoni & Heidari, 2012).

مردم: در شهرهای خلاق باید شرایط و فعالیتهایی مدنظر قرار بگیرند که محیط جذاب برای افراد خلاق ایجاد شود. آموزش عمومی قوی و دستیابی به فعالیتهای فرهنگی نقشی حیاتی در شکل گیری افراد خلاق بازی می کنند و باعث پیشبرد مشارکت های اجتماعی می شوند.

بنگاه های اقتصادی: خلاقیت به ایجاد فرصتهای اقتصادی می انجامد و کارآفرینان فرهنگی، کسب و کارهای خلاق را شروع می کنند و آنها را رشد می دهند و تجاری سازی ایده های نوآورانه و خلاق سبب اشتغالزایی و تولید ثروت در شهرهای خلاق می شود. در شهرهای خلاق، فراوانی استعدادهای خلاق پیشران اصلی صنایع خلاق و اقتصاد منطقه است.

فضا: یک ارتباط قوی بین فضا و خلاقیت وجود دارد. افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، الهام بخشی و نمایش کارهای خود دارند. فضاهای یک شهر اعم از مصنوعی و طبیعی، باعث برانگیختگی، انطباق و بیان خلاقیت ساکنین خود می شوند. فضاهای خلاق

باید امیدبخش و توانمندساز باشند. زیرا خلاقیت نیازمند فضاهایی است که در آن بتواند رشد و فعالیت کند، تفکر و نوآوری نماید، تجمع و پرورش یابد و نهایتاً پیشرفت کند. از آنجایی که یکی از ارکان توسعه شهر خلاق، فضاست، بنابراین وجود فضای عمومی مطلوب در شهر می‌تواند بستر مناسبی را برای توسعه این شهرها فراهم کند.

پیوندها و ارتباطات: یک محیط شهری که به دنبال برانگیختن و پشتیبانی از خلاقیت است، باید بتواند بسیاری از اقدامات مجزا را نیز به هم پیوند دهد. این پیوندها اغلب اوقات توسط سازمانهایی رهبری می‌شود و توسعه می‌یابند که ماموریت و چشم‌اندازشان خلاقیت است. پشتیبانی از پیوندها نیز توسط سازمانهای واسطی صورت می‌پذیرد که فعالیتهای مجزا را سازماندهی و از منابع موجود به نحو موثر استفاده می‌کنند. اکولوژی خلاقیت یک شهر برای پایداری و ثبات باید به خوبی و به نحوی یکپارچه گردد تا هنرمندان، صنایع خلاق، سازمانهای دولتی، برنامه‌های سرمایه‌گذاری و جامعه محققین بتوانند به صورتی مولد و اثربخش با یکدیگر ارتباط متقابل داشته باشند. شهرهای خلاق به زیرساختهای پیوند دهنده‌ای نیاز دارند تا از اکولوژی خلاقیت آنها پشتیبانی نمایند.

چشم‌انداز و آوازه: در شهرهای خلاق، بیان و اظهار یک چشم‌انداز قوی و خلاقانه باعث رشد استعدادهای خواهد شد و پشتیبانی از خلاقیت را به صورت گسترده‌ای در شهر هدایت کرده، نظم می‌بخشد. این چشم‌انداز داستان شهر را در سراسر جهان بازگو می‌کند، آوازه آن را در جهان خلق می‌کند و به پیشبرد گردشگری، صادرات و سرمایه‌گذاری در شهر می‌انجامد (Mohammadi & Majidfar, 2010).

شاخص‌های اصلی و ضروری شهر خلاق

شهر خلاق دارای شاخص‌های ضروری و اصلی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود

الف) کیفیت محیط زیست: محیط زیست سالم؛ آب و هوای پاک و سالم، بهداشت و حفاظت از محیط زیست، دسترسی به فضای سبز و تفریحی و کالا و خدماتی فاقد آلاینده‌گی و گازهای گلخانه‌ای

ب) شرایط اجتماعی و فرهنگی: تنوع فرهنگی و نژادی، خانه‌های امن، برنامه‌های آموزشی و بهداشت

ج) کاربرد تکنولوژی: استفاده از تکنولوژی مناسب، سیستمهای انرژی کارآمد و بدون کربن، سیستم حمل و نقل کارآمد، زیربنای ساختمان‌های پایدار.

د) وجود الگوهای اقتصادی: پویایی فضای محلی برای سرمایه‌گذاری در سطح محلی و با هدف صدور در بازارهای هدف، گویای الگوی اقتصادی مناسب است.

ه) استقرار سیاست عمومی: نقش قوانین در توسعه، اجرا و نگهداری یک شهر خلاق، باید باز و اجرایی باشد. شفافیت و مشارکت‌دهی برای حمایت از تعادل بین عناصر زندگی یکی از اساسی‌ترین لازمه‌های استقرار سیاست عمومی یکپارچه است (Rezaeiyan & Gharagozlo, 2012)

موسوی (۱۳۹۳) چهار شاخص اصلی را برای شهر خلاق در نظر می‌گیرد که شامل سرمایه اجتماعی، نوآوری، کیفیت زندگی و سرمایه انسانی خلاق می‌شود.

مؤلفه‌ها	شاخص‌های اصلی	
مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری، شرکت در شبکه روابط اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۱
تعداد واحدهای تحقیق و توسعه، تعداد محققان، تعداد اختراعات، تعداد پارکها و مراکز رشد علم و فناوری	نوآوری	۲
فرهنگ و گردشگری، اوقات فراغت، وضعیت زیست محیطی، وضعیت اقتصادی، وضعیت کالبدی	کیفیت زندگی	۳
تعداد فرهیختگان و هنرمندان، تعداد دانشجویان، شاغلان دارای تحصیلات عالی، میزان تراکم جمعیت	سرمایه انسانی خلاق	۴

چارچوب نظری تحقیق

نظریه ریچارد فلوریدا

ریچارد فلوریدا در پایان‌نامه خود به ظهور طبقه خلاق در شهر می‌پردازد. او در جهت پاسخگویی به این سوال است که چرا بعضی از نقاط، رشد و رفاه بالایی دارند، در حالی که دیگران با تلاشی که می‌کنند چنین رفاهی را ندارند (Zimmerman, 2008). فرضیه فلوریدا این است که موفقیت اقتصادی یک شهر بر استراتژی‌های توسعه اقتصادی سنتی (مثل استخدام صنعتی، توسعه صادرات، یا توسعه نیروی کار) استوار نیست؛ بلکه بیشتر در گرو جذب استعداد خلاق است. از نظر او در اقتصاد جدید، خلاقیت انسانی یک سرمایه بسیار ارزشمند است و همواره گروهی از افراد خلاق، شکل، جهت و جغرافیای توسعه اقتصادی جدید، را تعیین می‌کنند. فلوریدا این گروه را طبقه خلاق می‌خواند. از این رو عقیده دارد که سیاست شهرها باید مبتنی بر جذب نوع ویژه‌ای از افراد تحت عنوان طبقه خلاق که مورد نیاز صنایع خلاق جدید است، باشد. فلوریدا بین آن چه که هسته خلاق برتر این طبقه می‌داند (استادان، دانشگاه، شاعران، رمان‌نویسان، هنرمندان، طراحان، معماران و اندیشمندان) و گروه کمتر شناخته شده که آنها را متخصصان خلاق می‌داند (شامل طیف گسترده متخصصینی که در صنایع دانش بنیان فعالیت میکنند) تفاوت قائل می‌شود. ریچارد فلوریدا، مبدع نظریه طبقه و شهر خلاق، در کتاب خود در سال ۲۰۰۲ بیان می‌کند شهر خلاق برای رشد و توسعه به سه نوع سرمایه‌گذاری نیاز دارد:

- ۱- سرمایه‌گذاری عقلانی: این سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاری‌های فردی و پس‌انداز نیست. سرمایه‌گذاری عقلانی نه بر اساس احساس، بلکه بر اساس عقل و منطق صورت می‌گیرد.
- ۲- سرمایه‌گذاری خلاق: از این نظر حائز اهمیت است که موجب روشن شدن بارقه‌های علم‌جویی و بالا رفتن قدرت تصویرسازی ذهنی برای آینده می‌شود و با توجه به نظر ریچارد فلوریدا، هیچ فرد و سازمانی قادر به مجبور کردن مردم برای این که خلاق و نوآور باشند، نیست و این طرز تفکر که شهروندان با اجبار به سمت خلاق بودن هدایت شوند منسوخ و مردود است. شهروندان باید خود بخواهند که خلاق و نواندیش باشند؛ تنها برای خودشان و نه به اجبار دیگری و این چیزی است که پایداری و دوام خلاقیت را در اجتماع تضمین می‌کند.
- ۳- سرمایه‌گذاری اجتماعی: سه شاخص اصلی دارد: اعتماد (اعتماد خاص و عام که اعتماد عام مد نظر است)، مشارکت (سه ویژگی دارد: از روی منطق و عقل باشد، مستمر باشد و توسط یک گروه و نهاد سازماندهی شده باشد) و همدلی (بدون منت و رشوت باشد) که البته نقش این سرمایه‌گذاری از آن جهت است که باعث برانگیختن فضایی از خلاقیت و نوآوری می‌شود. این سه نوع سرمایه‌گذاری هم‌راستای چهار نوع سرمایه‌گذاری، انسانی، اجتماعی و نمادین بود که در شماره‌های قبل به آن اشاره شد.

فلوریدا شهر خلاق را بر اساس سه متغیر عمده (موسوم به سه T) پایه‌گذاری کرده است که عبارتند از: فناوری^۱، استعداد^۲ و سازگاری^۳ فناوری به واسطه فراهم ساختن فرصت‌هایی برای کسب دانش بیشتر نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد. استعداد در برگیرنده آن دسته از افرادی است که واقعاً اندیشه‌های ابداع‌گرایانه و نوآورانه دارند و سازگاری دربرگیرنده فرهنگی باز و متنوع بر مبنای قومیت، نژاد و جهت‌گیری جنسی است. به طور کلی، طبقه خلاق در مکان‌هایی ریشه می‌دواند که دارای این سه متغیر سرنوشت‌ساز باشد. هر کدام از این سه عامل اهمیت دارند، اما به تنهایی شرط کافی نیستند و یک مکان به منظور جذب افراد، ایجاد نوآوری و تحول اقتصادی باید هر سه متغیر را دارا باشد (Ashtari, 2014). طور کلی طبقه خلاق در مکان‌های ریشه می‌دواند که دارای این سه متغیر سرنوشت

1. Technology
2. Talent
3. Tolerance

ساز باشد. هر کدام از این سه عامل دارای اهمیت هستند اما به تنهایی شرط کافی نیستند. یک مکان به منظور جذب افراد، نوآوری و تحول اقتصادی باید هر سه متغیر را دارا باشد (Florida, 2005).

ریچارد فلوریدا در کتابش از نخبگان خلاق در جامعه، که جمعی از نیروهای حرفه‌ای، علمی و هنرمند هستند نام می‌برد که حضور آنها پویایی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به ویژه در نواحی شهری ایجاد می‌کند. نخبگان خلاق شامل افراد فعال در حوزه‌های علوم و مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر، موسیقی و تفریح هستند که کارکرد اقتصادی آنها، ایده‌های جدید، فناوری نوین و محتوای نوآورانه جهان امروز را ایجاد می‌کنند.

جدول (۱): مفهوم طبقه خلاق از دیدگاه ریچارد فلوریدا

فلوریدا، ۲۰۰۴	طبقه خلاق کسانی هستند که در علم و مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر، موسیقی، تئاتر مشغول هستند و عملکرد اقتصادی آنها مشتمل بر خلق ایده‌های جدید، فناوری جدید و مضامین خلاقانه نوین می‌باشد. این افراد درگیر حل مسائل پیچیده‌ای هستند که نیازمند اندیشه مستقل و سطوح بسیار بالایی از سواد و سرمایه انسانی است.
فلوریدا و رورت، ۲۰۰۸	به اعتقاد فلوریدا، طبقه خلاق به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول متشکل از "هسته فوق العاده خلاق" است که مشتمل بر طیف وسیعی از جمله دانشمندان، مهندسان، پرفسورهای دانشگاهی، شاعران، رمان نویسان، هنرمندان، بازیگران، هنرپیشه‌ها، ویراستاران، طراحان و معماران، نویسندگان آثار غیر داستانی، شخصیت‌های فرهنگ، گروه مشاوران، پژوهشگران، تحلیل‌گران و سایر نخبگان است. گروه دوم شامل حرفه‌ای‌های خلاق است که در طیف وسیعی از صنایع از دانش محور نظیر بخش‌های مدرن، خدمات مالی، خدمات بهداشتی و حقوقی و مدیریت‌های تجاری کار می‌کنند. فلوریدا اظهار داشته است که گروه اول اشکال یا طراحی‌های جدیدی را پدید آورند که به سرعت قابل انتقال و بی‌نهایت مفید هستند، در حالی که گروه دومی در حل کردن مسائل خلاق درگیر هستند.
فلوریدا	طبقه خلاق مشتمل بر آنهایی است که در کارهای دانش محور مشغول اند از جمله هنرمندان، دانشمندان، تحلیل‌گران، مدیران تجاری و نوآوران در زمره آنها می‌گنجند.
فلوریدا	بر اساس نظریه سرمایه خلاق فلوریدا افراد خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و رشد اقتصادی ناحیه‌ای هستند و مردم جایی که دارای ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت و نوآوری، متنوع و تسامح باشد برای زندگی ترجیح می‌دهند.
فلوریدا و رورت، ۲۰۰۸	فلوریدا، طبقه خلاق را به افراد فوق العاده ماهر در صنایع خلاق و صنایع دانش محور نظیر متخصصان حقوق، اقتصاد، فناوری اطلاعاتی و آموزش‌های عالی اطلاق نمود. وی بر این باور است که ما در حال وارد شدن به عصر خلاق هستیم که در آن تعداد اندیشه‌های مختلف و تضارب آرا موج می‌زند. فلوریدا با اشاره به اندیشه جاکوب (۱۹۶۱) نوشته است که مردم نخبه و خلاق، آن شهری را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای تنوع و فضایی تسامح‌گرا باشد.

در نتایج حاصل از پژوهش ریچارد فلوریدا و همکارانش در رابطه با مطالعاتی که بر روی گروه‌های هدف در پترزبورگ انجام شد، اعضای گروه‌های هدف، بیشترین تاکید را بر امکانات^۱ یکپارچه گذاشتند و فرصت‌های اقتصادی و سبک زندگی^۲ را در انتخاب یک مکان، ضرورتاً تکمیل‌کننده همدیگر می‌دیدند. در حقیقت از بعضی از لحاظ آنها بر کیفیت تفریحات و محیط بیش از بازار کار در انتخاب مکان برای زندگی تاکید می‌کردند.

اعضای گروه‌های هدف امکانات را به صورت موارد زیر تعریف می‌کردند:

- ✓ وجود تعداد زیادی از افراد جوان و فعال
- ✓ دسترسی زیادی به بازه وسیعی از فعالیت‌های فضای باز
- ✓ فعالیت‌های موسیقی پر شور یا بازه وسیعی از فرصت‌های موسیقی زنده
- ✓ وجود بازه وسیعی از تجربیات زندگی شبانه^۳ شامل گزینه متعدد بدون الکل
- ✓ یک محیط سالم و تمیز وجود تعهد برای حفظ منابع طبیعی برای تفریح و لذت

۱. Amenities

۲. Life style

۳. Night-Life

✓ وجود سبک زندگی همساز با جوان^۱ و حامی تنوع^۲

بر مبنای نظریه شهر خلاق، نخبگان یا طبقه خلاق به سکونت در شهرهایی گرایش دارند که از تنوع، تساهل و تسامح چشمگیری برخوردار بوده و از نظر کیفیت محیط شهری و استانداردهای طراحی، از سطح بالایی برخوردار باشند. بر اساس این نظریه، جذب افراد خلاق، باعث قدرتمند شدن شهرها و بالندگی اقتصادی آنها می‌شود (Florida, 2002). همچنین فلوریدا شاخص نوآوری را ابداع نمود که تراکم جماعت هنرمندان، نویسندگان، بازیگران، طراحان، موسیقی دانان، کارگردانان، نقاشان، تندیس سازان و عکاسان در یک منطقه را اندازه گیری می نماید.

جدول (۲): شاخص ها و زمینه های خلاقیت در شهرها از دید فلوریدا

شاخص	زمینه
طبقه خلاق (class Creative) منابع انسانی (Capital Human) استخدام استعدادها در دانش و فناوری (Talent employed in science and technology)	استعداد
شاخص نوآوری (Index Innovation) شاخص فناوری بالا (Index Technology High)	فناوری
شاخص هنردوستی (Index Bohemian) شاخص دیگ ذوب (Index Pot Melt)	بردباری

این شاخص بطور مستقیم تولید کنندگان هنر را از طریق استفاده از داده های آماری معتبر می شمارد. شاخص بومیان پیش بینی کننده قوی همه چیز از پایه فناوری پیشرفته یک منطقه تا جمعیت کلی و رشد اشتغال آن به حساب می آید. به منظور فهم بهتر شهر خلاق، در جدول شماره ۳ مبادرت به بیان شاخص های شهر خلاق و در جدول شماره ۴ مفهوم طبقه و شهر خلاق شده است. گرچه طبقه خلاق به شدت تحت تاثیر کیفیت زندگی منطقه و قابلیت دسترسی به اشتغال است، اما تنوع سبک زندگی، امکانات فراغتی و رفاهی و کیفیت محیطی نقش بیشتری در جذب افراد به سکونت در شهرها دارد. تنوع فرهنگی و جمعیتی نشانگر اجتماعی باز و تسامح گراست. وجود تسهیلات فرهنگی، مجتمع های ورزشی حرفه ای، پایداری محیط و دسترسی به فعالیت های فراغتی نظیر مسیرهای دوچرخه سواری و پارک های عمومی نقش حائز اهمیتی در جذب نخبگان دارند. نظریه خلاقیت قائل به نقش گسترده تر فرهنگ و پتانسیل های نامحدود انسان است و کلید رشد اقتصاد را منوط به توانمند ساختن و شکوفا کردن این پتانسیل می داند. لازمه این شکوفا سازی منوط به وجود فرهنگی باز است، فرهنگی که تبعیض قائل نمی شود، مردم را محدود نمی سازد و به اشکال گوناگون خانواده و هویت انسانی اعتبار می بخشد. به این معنا که فرهنگ از طریق تحمیل امکانات، ایجاد خلاقیت انسانی عمل نمی کند بلکه بنا بر تسهیل و تحریک خلاقیت های انسانی می گذارد. افزون بر این فرهنگ باز در سطح گسترده مجالی برای کارآفرینی، توسعه اقتصادی و نوآوری وابسته به اجتماع فراهم می سازد. در مجموع عناصر تشکیل دهنده نظریه شهر خلاق مشتمل بر نوآوری، گرایش به چند فرهنگی، تسامح و تساهل، وجود محیط فرهنگی تکثرگرا محیط های اجتماعی باز از نظر فرهنگی و افزایش فرصت های تعاملات اجتماعی است. علاوه بر این انگیزش این طبقه تنها به واسطه پاداش های مادی نیست بلکه آنها طرف دار زندگی در مکان های با کیفیت، خلاق، هیجان انگیز و دارای تساهل و تسامح هستند. بر این مبنا می توان گفت که امروزه خلاقیت به عنصر بسار مهمی در برنامه ریزی شهری سیاست های بازاریابی شهری در سراسر جهان تبدیل شده است. ظهور این ایده در ساده ترین شکل به منزله مرحله متمایزی در توسعه سرمایه داری محسوب می شود چنانکه بر اساس آن نیروی اصلی اقتصاد دیگر ابزارهای فناوری و سازمانی نیست، بلکه انسان است. سفارش فلوریدا به حکومت های شهری در مورد ضرورت نوسازی اقتصادی با این پرسش آغاز می شود: "در جهانی که مردم به شدت متحرک هستند به چه دلیلی آنها شماری از شهرها را در مقایسه با سایر شهرها برای زندگی و کار بیشتر

¹. Youth-friendly

². Diversity

انتخاب می کنند؟" وی می نویسد که پروژه های نوسازی مراکز شهری و انگیزه های تجاری برای وسوسه کردن شرکت هایی مورد استفاده قرار می گیرند که نیازمند جذب افراد بسیار خلاق نیستند. در عوض مردم مکان هایی را برای زندگی ترجیح می دهند که دارای خصایصی نظیر نوآوری، تنوع و تسامح فرهنگی باشند.

در همین راستا فلوریدا اظهار می دارد: "در حالی اقتصاد دانان و دانشمندان اقتصادی توجه بسیار زیادی را به چگونگی مکان یابی شرکت ها مبذول داشته اند، این سوالی اساسی است که من به دنبال پاسخ به آن هستم؛ در مصاحبه ها و گروه های کانونی همین پرسش را از مردم پرسیده ام" مردم می گویند که ملاحظه های اقتصادی و سبک زندگی مهم هستند و آنها ترکیبی از این دو عامل را در نظر می گیرند. براساس نظریه های استاندارد مردم کور کورانه در پی شغل به مکان ها نمی روند. در حقیقت مردم تصمیمات حرفه ای یا حرکت های جغرافیای را اتخاذ نمی کنند و معمولاً افراد بسیار تحصیل کرده به مکان هایی می روند که متنوع و بزرگ باشد. نه تنها پژوهش های کیفی من این موضوع را به اثبات می رساند بلکه محاسبات آماری نیز بر این گرایش صحنه می گذارد. همچنین در پاسخ به این سوال که چرا محیط های شهری باید دارای تنوع و تساهل باشند، چنین پاسخ می دهد: "چنین شهرهایی به صورت جهان وطن عمل می کنند. به این معنا که برای پذیرش ایده جدید باز و گشوده هستند آنها پذیرای سبکهای زندگی غیر متعارف بوده و افراد با استعداد را که برای نوآوری بسیار مهم هستند جذب می نماید.

چگونه شهری سنتی خود را به شهری خلاق تبدیل می کند؟ فلوریدا در کتاب خود (۲۰۰۲) درباره طبقه خلاق، موقعیت شماری از مرکز خلاق نظیر آستین، بوستون، سان فرانسیسکو و واشنگتن را تحسین کرده است. عقیده وی بر آن است که موقعیت این شهرها مرهون سه محور کلیدی استعداد، فناوری و تسامح است با این وجود این شهرها با توجه به موقیت های جغرافیایی و موسسات پژوهشی محلی شان نسبت به شهرهای متوسط آمریکا و بسیاری از شهرهای جهان دارای جایگاه بهتری هستند افزون بر این مارکوسسن بر مبنای پژوهشی تجربی در مورد اثر هنرمندان خلاق روی رشد شهری مدعی شد که اولویت های سیاسی، فرهنگی، مکانی هنرمندان جز کلیدی طبقه خلاق فلوریدا نسبت به اولویت های سیاسی، فرهنگی و مکانی دانشمندان، مهندسان، مدیران و حقوق دانان بسار متفاوت است. همچنین توسعه محیط خلاق برای تمام طیف سرمایه خلاق در بهترین حالت ممکن امری بعید و محال است. در مجموع می توان شهری را ۱۰٪ خلاق نامید که سیاست گذاری خود را وقف کمک به اجتماعات در به فعالیت رساندن تمام پتانسیل های بالقوه نماید.

جدول (۳): اصول شهر خلاق

پرورش خلاقیت و پاداش برای آن	هر کس بخشی از زنجیره ارزشمند خلاقیت است. خلاقیت می تواند در هر زمان و هر مکان رخ می دهد، چنان که می توان نمود آن را در جامعه مشاهده نمود.
سرمایه گذاری در اکو سیستم خلاق	اکوسیستم خلاق مشتمل بر هنر و فرهنگ کنسرت های موسیقی، رستوران ها، هنرمندان و طراحان، نوآوران کارآفرینان، فضای مناسب پر جنب و جوش، معنویت، آموزش و پرورش، تراکم فضاهای عمومی و...
گسترش تنوع و کثرت	این امر منجر به شکوفایی خلاقیت، نوآوری و تاثیر مثبت اقتصادی است، وجود افراد با زمینه ها و تجربیات مختلف به تنوع عقاید آرا، افکار، استعدادها و دیدگاهها کمک نموده و این موضوع به غنی تر شدن جامعه منجر می گردد. چنانکه به دنبال آن آرا و اندیشه ها شکوفا شده و جامعه ارزشمند ساخته شود.
شکوفایی خلاقیت	پشتیبانی از اتصال دهنده ها و نکات اشتراکی؛ همکاری برای رقابت در راه های جدید و شرکت دادن تمام افراد در بازی از اصول بی بدیل شهر خلاق است.
ارزش ریسک پذیری	به معنای تبدیل شرایط نه به شرایط آری؛ سرمایه گذاری و فرصت سازی و نه فقط حل مشکل؛ استعداد خلاق فناوری و انرژی برای جامعه به چالش کشیدن خورد سنتی است.
اصالت بخشی	افزودن ارزش های جدید بر شهر و تمرکز بر آن دسته از دارایی ها که در شکل منحصر به فرد هستند، به گونه ای که باید جامع ها متفاوت به نظر آید.

درحالی که ویژگی‌هایی ارثی، آب و هوا، منابع طبیعی و جمعیت مهم هستند، اما دیگر ویژگی‌های حیاتی مانند مراکز هنری و فرهنگی، فضاهای سبز و باز، مراکز شهری پر جنب و جوش و مراکز آموزشی نیز مهم هستند. این امر موجب رقابتی تر شدن جامعه و ایجاد فرصت‌های بیشتر گردد.	سرمایه‌گذاری در ساخت و کیفیت مکان
از آن جمله می‌توان به عقب ماندگی، عدم تحمل انزوا، پراکندگی، مدارس نامطلوب، انحصار طلبی، زوال اجتماعی و تخریب زیست محیطی اشاره کرد.	از میان برداشتن موانع خلاقیت
به گونه‌ای که افراد جامعه را جز جدایی ناپذیر خود ببینند و از هیچ کوششی برای تغییر به سمت آینده‌ای بهتر دریغ نورزند.	مسئولیت‌پذیری برای تغییر جامعه
حصول اطمینان از اینکه هر شخص، به ویژه بچه‌ها حق خلاقیت دارند، بالاترین کیفیت آموزش و پرورش مادام‌العمر برای توسعه و حفظ افراد خلاق به عنوان مهمترین منبع جوامع امری حیاتی است.	تضمین حق خلاقیت

نظریه چارلز لاندری^۱

چارلز لاندری^۲ معتقد است در شهرهای مدرن باید خلاقیت را جایگزینی برای منابع طبیعی بومی تلقی کرد. او می‌گوید که امروزه بسیاری از شهرهای جهان با دوره‌گذار روبه‌رو هستند که عمدتاً ناشی از نیروی جهانی شدن است. این گذار از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. در مناطقی مثل آسیا شهرها در حال رشدند حال آن‌که در مناطق دیگری مثل اروپا، صنایع قدیمی ناپدید می‌شوند و ارزش افزوده در شهرها به‌ندرت از طریق ساخت و تولید صنعتی (کارخانه‌ای) و بیشتر از طریق سرمایه‌معنوی (مالکیت معنوی) به دست می‌آید که در محصولات، فرایندها و خدمات تجلی می‌یابد (Landry, 2006).

چارلز لاندری در کتاب شهر خلاق از روند شکل‌گیری شهرهای معاصر سخن می‌گوید و در سال‌های اخیر اندیشیدن درباره شهر آینده را به گونه‌ای متفاوت از شهر گذشته طلب می‌کند و همه نقاط شهری را ملزم می‌سازد تا نقش و موقعیت‌شان را از منظر منطقی‌های، ملی و جهانی از نو بازاندیشی کنند.

وی می‌نویسد امروز می‌توانیم از جنبش شهر خلاق صحبت کنیم؛ موازنه‌ای پویا و گه‌گاه پرتنش که در اجماع کهنه و نو بر آن است تا با حرکت از مهندسی شهری به سوی شهرسازی خلاق، شرایطی را مهیا سازد که در آن مردم به جای آنکه دریافت‌کنندگان منفعل، و یا قربانیان تغییر باشند، به عاملان تغییر تبدیل شوند. در این شهر جدید خلاقیت به مثابه پول جدید، و مردمان خلاق همچون سرمایه‌های شهر آینده و تولیدکنندگان ثروت انگاشته می‌شوند (Landry, 2015).

چارلز لاندری یکی از معروف‌ترین پژوهشگرانی است که در باب شهرهای خلاق قلم زده است. او دیدگاه رادیکالی جدیدی در باب شهرهای خلاق دارد. از نظر وی شهرها نیاز به خلاقیت دارند نه به خاطر دستیابی به رقابت در صنایع با ارزش افزوده جدید بلکه برای حل مسائل اجتماعی. به بیان دیگر چارلز لاندری خواهان یک دیدگاه خلاق برای حل مسائل شهری در ابعاد و جنبه‌های مختلف است نه این که خلاقیت محدود به عرصه‌های هنر، صنایع خلاق و طراحی شود.

او به اتفاق فرانکو بیانچینی^۳ در سال ۱۹۹۵ کتاب شهرهای خلاق را منتشر کردند؛ که در آن مفهوم شهرهای خلاق به عنوان عکس‌العملی در مقابل مسائل شهری در مواجهه با بحران شهری بین‌المللی که در مرحله گذار به فراصنعتی و اقتصاد جهانی رخ داده است، در نظر گرفته می‌شود. به نظر وی ایدئولوژی، به برنامه‌ریزی برای دوری از چارچوب سنتی برنامه‌ریزی فیزیکی به سمت بهبود محیط‌های شهری و ایجاد اتمسفری خلاق و زیرساخت‌هایی نرم از طریق مشارکتهای نو، مسئولیت می‌دهد (Simeti, 2006).

در سال ۱۹۹۵، چارلز لاندری و فرانکو بیانچینی کتاب شهر خلاق را به عنوان بیانیه روشن نظریه شهر خلاق منتشر کردند. ایده شهر خلاق پاسخی به مشکلات شهری در بحران بین‌المللی در جریان انتقال به اقتصاد جهانی و صنعتی بود. ایدئولوژی آنها در پی تغییر

1. Charles landry

۲. چارلز لاندری در سال ۱۹۴۸ متولد شد و در بریتانیا، آلمان و ایتالیا تحصیل کرد. پروفسور چارلز لاندری استاد بین‌المللی خلاقیت شهری است که با دانشکده دپا داتانو پایتخت پکن و دیگر مراکز علمی همکاری دارد. او رویکرد مهندسی شهری را از شهرهای با شهرت خلاقانه متمایز می‌کند.

3. Franco Bianchini

رویه برنامه ریزی سنتی (بر مبنای راه حل های کالبدی) به سوی ارتقای محیط های شهری و تقویت جو خلاقیت و «زیرساخت های نرم» از طریق همکاری های جدید بود. در تعریف لاندری زیرساخت های نرم به چگونگی آشنایی و تبادل ایده ها بین مردم نظر دارد و زیر ساخت های لازم گونه ای از توسعه کالبدی و مکان سازی را تشویق می نماید که تقویت کننده ارتباطات بین مردم باشد. در راستای تبدیل شدن به شهری خلاق، لاندری و فرانکو بیانچینی حامی برنامه ای شدند که اهم موضوعات آن به شرح زیر است.

- ✓ از بین رفتن موانع خلاقیت، موانعی که به دلیل سیستم پیچیده اداری (بوروکراسی) بدتر نیز شده اند،
- ✓ بازبینی عمیق موفقیتها یا شکستهای سازمانی،
- ✓ تشخیص کاتالیزورها مانند تواناییهای خلاق افراد (به عنوان مثال مهاجران)،
- ✓ تعادل بین جهانی شدن و محلی گرایی،
- ✓ ارتقاء و توسعه فضا برای مردم و پروژه های خلاق،
- ✓ تفکر مجدد درباره مدیریت شهری.

در مثال هایی که از برنامه ریزی و حکمرانی شهر خلاق در اروپا آورده شده افزایش آگاهی در مورد مسائل محیطی و توسعه فضاهای سبز شهر و فراهم کردن مکانهایی برای مشارکت اجتماع را شامل می گردد. در راستای فراهم آوردن یک چارچوب ملموس تر برای عمل برای برنامه ریزان، لاندری در سال ۲۰۰۰ کتاب شهر خلاق، جعبه ابزاری برای نوآوران شهری را چاپ نمود. او در این اثر، راه هایی را برای تفکر و عمل خلاقانه در برنامه ریزی ارائه می دهد. از دیدگاه وی شهر آینده شهری خواهد بود که به آموختن و درس گرفتن از یافته ها و موانع نیاز دارد. شهر خلاق یا شهر آینده که لاندری وضع می نماید واجد خصوصیات زیر می باشد:

- شهر خلاق به ترکیبی از زیرساخت های نرم و سخت احتیاج دارد،
- شهر خلاق تقویت کننده ارتباطات بین مردم است،
- شهر خلاق از سطح بالایی از امکانات و کیفیات برخوردار است،
- شهر خلاق به لحاظ تکنولوژی پیشرفته است،
- شهر خلاق، حالت متعادلی بین جهانی شدن و حفظ ارزشهای محلی می باشد،
- شهر خلاق هم به متفکران و خلاقان پویا و هم به اجراکنندگان ایده ها نیاز دارد،
- شهر خلاق به زیر ساخت های هوشمند فرمال و غیر فرمال در سطح وسیع نیاز دارد،
- شهر خلاق شهری باز می باشد که فضاهای مربوط به افراد و مردم غیر معمولی نیز امکان وجود و فعالیت دارند،
- شهر خلاق حامی «فضای سوم» است. فضای اول خانه، فضای دوم محیط کار و فضای سوم جایی است که مردم می توانند در آنجا می توانند با هم باشند، چنین فضاهایی احتمالاً ترکیبی از فضاهای آرام و مهیج هستند و در آنها به فضاهای سبز و کیفیت زیبایی توجه خاصی شده است،
- در شهر خلاق پیوندهای قوی ارتباطی در خود شهر و بین شهر و جهان خارج تاسیس شده که این امر خود به توسعه فرهنگ کارگشایی و تاسیس و راه اندازی شرکت ها کمک می نماید.

از دیدگاه لاندری، پیش زمینه ها و معیارهایی برای یک شهر در راستای اینکه آن شهر حقیقتاً خلاق باشد نیاز است. از جمله آنها می توان محیط هیجان آور، امنیت، آزادی از مزاحمت و نگرانی را برشمرد. شهرها با برخی از این معیارها می توانند خلاق باشند، لیکن عملکرد آنها در صورت وجود هفت معیار زیر بهترین خواهد بود:

۱. کیفیتهای شخصی،
۲. خواستن، اراده و رهبری،

۳. فرهنگ سازمانی،

۴. فضا و امکانات شهری،

۵. پویایی شبکه ای^۱.

۶. هویت محلی (تاکید بر هویت فرهنگی و وجود انعطاف با وجود فرهنگ‌های مختلف در شهر)،

۷. گوناگونی انسانی و دسترسی به افراد با استعدادهای متفاوت (مهاجران و خارجی‌های مکمل داخلی‌ها)

ایده‌های فوق هر دو پاسخی به انتقال به اقتصاد بعد صنعتی می‌باشد. هر دو ایده از هم متمایز بوده لیکن می‌توانند در یک زمان هر دو درست باشند به عبارت دیگر یکدیگر را رد نمی‌کنند. ایده ریچارد فلوریدا حمایت کننده اقتصاد خلاق از طریق افزایش قدرت جذابیت یک مکان برای کشاندن طبقه خلاق به آن مکان به عنوان تولید کنندگان خلاقیت می‌باشد. **لاندری** در مورد راه‌های نوآوری در عمل برنامه‌ریزی و حکمرانی برای تشکیلات اجرایی یک ناحیه در راستای پرورش محیط‌های شهری زاینده فعالیتها و همکاری‌های خلاق بحث می‌نماید. تئوری **لاندری** به دلیل محور قرار دادن کیفیتهای مکان به عنوان قدرت جذابیت یک مکان از اهمیت خاصی برخوردار است.

نظریه جین جاکوبز^۲

جین جاکوبز^۳ شهرهای خلاق را شهرهایی می‌داند که در نوآوری و ابتکار صنعتی موفقند. او با انتشار کتاب سیستم‌های بقا در سال ۱۹۹۲ و کتاب ماهیت اقتصادها در سال ۲۰۰۰، دوره تاریک پیش رو در سال ۲۰۰۴، در حال جستجو برای یافتن پایه‌هایی اخلاقی برای تجارت و زندگی اجتماعی است. در این کتابها او بر اهمیت شهرهای خلاق برای توسعه اقتصادی اجتماعی تأکید می‌ورزد. جین جاکوبز عقیده دارد که محیط انسان ساخت می‌تواند شانس خلاقیت شهری را افزایش دهد. برای او، کلید محیط‌های شهری خلاق، در گرو تنوع هم در زمینه فضایی و هم اجتماعی و اقتصادی است. محلات باید عملکردهای چندگانه‌ای داشته باشند، به صورتی که خیابانهای آنها از فعالیت و جنب و جوش در ساعات مختلف روز پر باشد. همچنین محله به ترکیب ساختمانهای مختلف از نظر قدمت و شرایط نگهداری تشکیل شده باشد. ساختمانها چه قدیمی و چه نوساز از نظر اقتصادی برای کارآفرین دارای ارزش می‌باشد. در نهایت وی بر تراکمهای بالای مسکونی سه در یک مقیاس کوچک تأکید می‌ورزد، به طوری که در یک محله فشرده افراد مختلف (از خانواده‌ها و کارآفرینان گرفته تا دانشجویان و هنرمندان) در یک نقطه کار و زندگی می‌کنند. با چنین تنوعی، تأمین دامنه متنوعی از تسهیلات محلی امری حیاتی است.

جاکوبز معتقد است که در محیط‌های شهری، کارآفرینان باید از طریق دسترسی متنوع به دانش و مهارتها به سود برسند. در عوض این پیوند متقابل به عنوان یک آهن ربا برای افراد خلاق عمل می‌کند. در این بین ترکیب ساختمانهای قدیمی و نوساز برای خلاقیت از اهمیت بالایی برخوردار است.

پیشینه تحقیق

ادبیات تجربی داخلی

- ضرابی، موسوی و باقری کشکولی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی میزان تحقق‌پذیری شهر خلاق (مقایسه تطبیقی بین شاخصهای توسعه پایدار شهری و معیارهای ایجاد شهر خلاق، نمونه مورد مطالعه: شهرهای استان یزد)" معتقدند که شهر خلاق با شکوفایی قوی هنر و فرهنگ، خلاقیت و نوآوری با سناریوی چهارگانه سرمایه انسانی خلاق، کیفیت زندگی، زمینه‌های نوآوری و سرمایه اجتماعی در جهت به کارگیری شاخصهای توسعه پایدار است. هدف از این تحقیق، تحلیلی

^۱. Networking Dynamics

^۲. Jane Jacobs

^۳. جین جیکوبز؛ زاده ۴ مه ۱۹۱۶ درگذشته ۲۵ آوریل ۲۰۰۶ روزنامه‌نگار، نویسنده، روزنامه‌نگار و کنشگر کانادایی-آمریکایی بود. بیشتر شهرت او به خاطر تأثیرش بر مطالعات شهری می‌باشد.

بر ارتباط بین شاخصهای توسعه پایدار و معیارهای شهر خلاق در شهرهای استان در راستای میزان تحقق پذیری شهر خلاق پایدار است. روش تحقیق تحلیلی و جامعه آماری ۲۴ شهر استان یزد و شاخصهای تحقیق شامل ۳۵ شاخص توسعه پایدار و ۲۲ شاخص شهر خلاق است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های رتبه اندازه شهری، ضریب آنتروپی و مدل تاپسیس استفاده شده است. همچنین برای ارتباط بین متغیرها، آزمونهای آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر به کار برده شده است. بررسی شاخصهای توسعه پایدار در شهرهای استان یزد نشان می‌دهد در شاخصهای تلفیقی، شهرهای یزد و میب دبه عنوان شهرهای پایدار محسوب می‌شوند. همچنین نتایج تحلیل مسیر معیارهای شهر خلاق نیز بیان کننده این است که متغیرهای نوآوری با میزان ۰/۶۷۲ و آموزشی با میزان ۰/۵۳۷ دارای بیشترین تأثیرات به ترتیب در توسعه پایدار و شهرهای خلاق شهرهای استان یزد داشته اند. در نهایت شهر یزد با توجه به میزان بالای سرمایه‌های انسانی موجود، تعداد بالای متخصص، میزان بالای مراکز رشد و فناوری، قابلیت بالقوهای در استفاده از انرژیهای نو (خورشیدی، بادی) و حرکت به سوی تحقق شهر خلاق را دارد.

- قربانی، حسین آبادی و طورانی (۱۳۹۲) به "بررسی شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری" پرداختند. شهرهای خلاق به عنوان مراکز نوآوری، خلاقیت و تبدیل ایده به ثروت، قلمداد می‌گردند. از آن جا که ایده و نوآوری عناصر اصلی رقابتی در عصر جهانی شدن، هستند؛ داشتن شهر خلاق، آرزوی هر جامعه ای است. اما، به واقع شهر خلاق چگونه شهری است و چه ویژگیها و شاخصهایی دارد؟ شرایط لازم برای این که شهری خلاق باشد چیست؟ چگونه خلاقیت شهروندان باعث توسعه می‌گردد؟ این تحقیق با بررسی تحلیلی موضوع سعی در پاسخ دادن به سؤال های مذکور دارد. آن چه که در مورد شهر خلاق با توجه به ادبیات نظری می‌توان ذکر کرد این است که شهر خلاق رویکردی فرهنگی در توسعه شهری است. در این رویکرد شهر باید بتواند محیطی جذاب برای جذب و پرورش استعدادها، نوآوری ها و ایده ها باشد و بتواند از ایده و خلاقیت افراد چه افراد خاص و ویژه مثل هنرمندان، دانشمندان، نویسندگان و چه از ایده‌های شهروندان عادی در جهت حل مسائل اساسی و نیز در جهت پایه ریزی رشد و توسعه ای خلاق بهره ببرد. در این نگرش، فرهنگ پایه اصلی توسعه محسوب می‌شود و سایر بخشها از آن متأثر است. بطوریکه اساس اقتصادی این شهرها نیز بر پایه فرهنگ و منابع فرهنگی است و از مفاهیمی چون صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و اقتصاد خلاق سخن به میان می‌آید. جذب و پرورش استعدادها و ایده ها نیازمند محیطی تنوع پذیر، بردبار و باز یک شهر خلاق باید بتواند گروه های مختلف اجتماعی با فرهنگ های مختلف را در خود پذیرا باشد. چرا که وجود یک جمعیت متنوع با ایده های گوناگون شانس ظهور خلاقیت را افزایش می‌دهد. لازمه این کار نیز تنوع بخشیدن به فرصتهای اشتغال، کار و تفریح است. اگر شهری موفق به جذب افراد خلاق و به کارگیری آنها در مدیریت، اقتصاد و صنایع فرهنگی باشد می‌تواند در صحنه رقابت و توسعه اقتصادی نیز موفق عمل نماید. در نهایت باید گفت رویکرد شهر خلاق با نگاهی خلاقانه به امکانات و مسائل موجود، حل خلاقانه مسائل و استفاده هوشمندانه از فرصتها و امکاناتی که به نظر شاید کم اهمیت جلوه نمایند را مدنظر دارد.

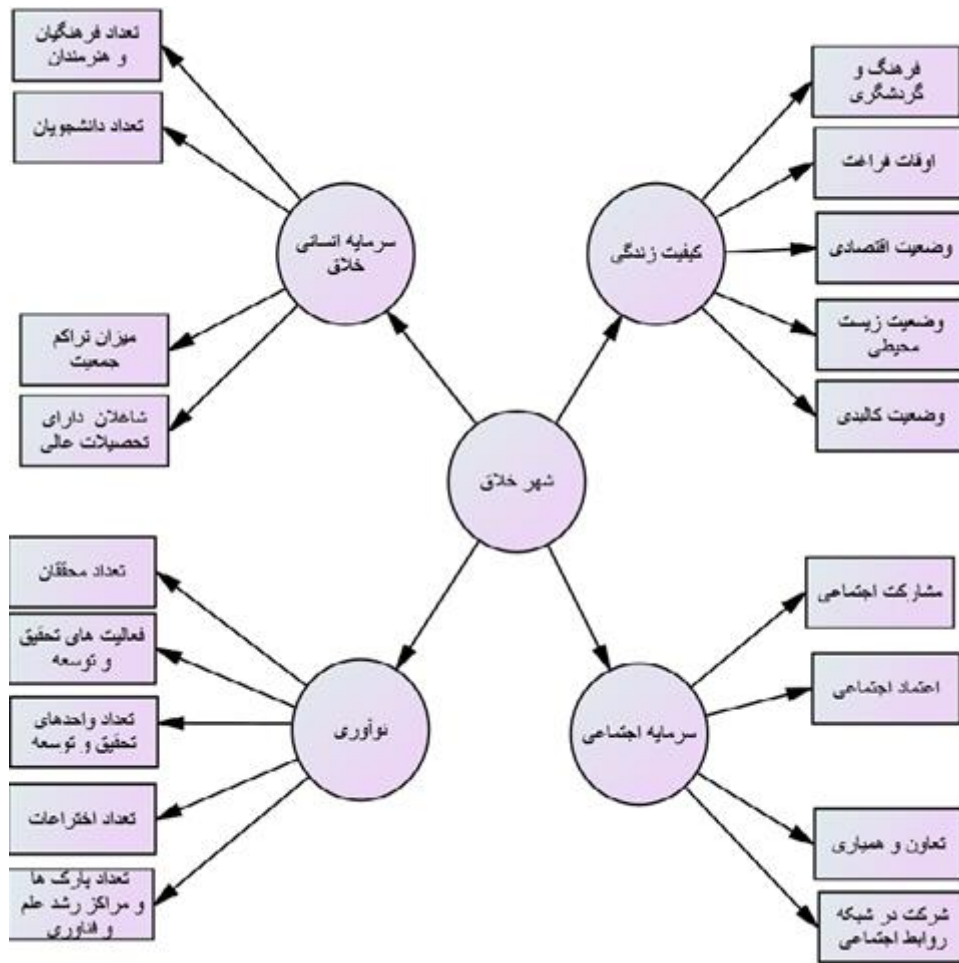
- مختاری ملک آبادی، سقایی و ایمانی (۱۳۹۳) به "بررسی سطح بندی مناطق پانزده گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخص های شهر خلاق با استفاده از مدل های برنامه ریزی منطقه ای" پرداخته اند. آنها در مقاله خود معتقدند که شهرهای خلاق مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود به خصوص برای نسل جوان، مکانی جذاب برای گردشگران، توانمند در شکوفایی بخشهای مختلف اقتصادی نوظهور (خوشه ها و مراکز تحقیقاتی به ویژه در زمینه فناوری برتر) هستند. شهر اصفهان به لحاظ دارا بودن پیشینه تاریخی، طرح ساختاری مناسب، سابقه اقتصادی مطلوب، زیرساخت های حمل و نقل عمومی و خصوصی، تامین نیازهای خدماتی مصرف کننده و تولید کننده، ارتباط با سایر نقاط جهان از طریق ارتباط از راه دور و دیگر ارتباطات، همچنین مطرح شدن به عنوان "پایتخت و فرهنگ و تمدن اسلامی" قابلیت تبدیل شدن به شهر

خلاق را دارد. هدف از بررسی و مطالعه شاخصهای شهر خلاق (نمونه موردی شهر اصفهان) بطور کلی، می توان ارزیابی وضعیت کمی شاخص های شهر خلاق در سطح شهر اصفهان و تجزیه و تحلیل و نحوه پراکنش این شاخصها در شهر اصفهان بیان کرد. با این اوصاف این پژوهش سعی آن داشته، که با استفاده از روش "توصیفی-تحلیلی"، همچنین با بهره گیری از دادههای ثانویه، تهیه پرسشنامه از شهروندان، مدل تاپسیس، ضریب آنتروپی شانون شاخصهای شهر خلاق را در مناطق پانزده گانه شهر اصفهان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بر این اساس مناطق پانزده گانه شهر اصفهان با ۱۲ فاکتور از شاخصهای شهر خلاق رتبه بندی و سطح بندی شده اند. نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد که میزان برخورداری مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخصهای خلاق به یک صورت نبوده و اختلاف زیادی بین مناطق شهر اصفهان وجود دارد. به طور کلی شهر اصفهان، با توجه به تحلیل های انجام شده پتانسیل حرکت به سمت شهرهای خلاق را داراست.

ادبیات تجربی خارجی

- آلن. جی. اسکات (۲۰۰۶) در پژوهش خود به "عنوان شهرهای خلاق": موضوعات مفهومی و پرسشهای راهبردی، اندیشه یا گسترده و مجادله آمیزی را پیرامون طبیعت و اهمیت شهرهای خلاق ارائه داده و در میان تغییرات اخیر در فناوری، ساختارهای تولید، بازارهای کار و اجتماعات مکانی پویا به دنبال جایگزینی مفهوم شهر خلاق است. و همچنین به دنبال آن است که نشان دهد که چگونه ساختارهای اقتصادی نوین، گونه های خاص از نوآوریهای اقتصادی و فرهنگی را در شهرهای خلاق نمایان کند.
- کاستا و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود به عنوان "بحث در مورد حکمروایی شهر خلاق: چشم اندازهایی برای اقدام علمی" به معرفی شهر خلاق پرداخته اند. مولفین معتقدند که پیاده سازی پروژه های مربوط به شهرهای خلاق در سراسر جهان به حکمروایی شهری تبدیل شده است. در این پژوهش حرکت از بحثهای معاصر در مورد شهر خلاق به منظور بحث در مورد تنوع سازوکارها و اشکال حکمروایی ضابطه مند مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت این پژوهش چند گونه آزمایشی برگرفته از مطالعات موردی و سازوکارهای حکمروانی به منظور فهم پویایی ها برای پر بار کردن دانش در شهر قلمروهای خلاق شایسته و انطباق آنها با مورد مطالعه شان یعنی شهروندان کشور پرغال مورد بررسی قرار گرفته است.
- مک گراهان و وجان (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "طرح مجدد طبقه خلاق برای بررسی جریانات رشد در نواحی شهری و روستایی" با تاکید و الهام از کار فلوریدا، بر اینکه افراد طبقه خلاق به سمت مناطقی کشیده می شوند که از سطح بالایی از کیفیت زندگی برخوردار باشد تاکید شده است. در این بررسی مولفین بر طبق یافته های خود معتقدند که بررسی مجدد مشاغل خلاق فلوریدا با استفاده از اندازه گیری جدیدی که آنها انجام داده اند با توسعه منطقه ای سازگارتر است.
- ساساکی (۲۰۰۸) در مطالعه خود با عنوان "توسعه شهرهای خلاق از طریق شبکه" به بررسی اینکه آیا شهرهای جهانی به سوی شهرهای خلاق حرکت کرده و همچنان اینکه چرا فرهنگ و خلاقیت به مرکز سیاست شهری نقل مکان کرده و همچنین به بررسی تجارب شهرهای جهانی که به سمت شهر خلاق حرکت کرده پرداخته است. وی مهمترین عامل را برای ترویج شهرهای خلاق تاسیس برنامه های تحقیقی و آموزشی برای توسعه منابع انسانی ضروری می داند. در آخر آنچه را که به نظر او برای دستیابی به شهرهای خلاق ضروری است اشاره می کند.
- ساساکی (۲۰۱۰) به بررسی بازسازی شهری از طریق خلاقیت فرهنگی و شمول اجتماعی: بازخوانی نظریه شهر خلاق از طریق یک مطالعه موردی ژاپنی پرداخت. این مقاله با هدف تجدید نظر تئوری شهرستان خلاق با تجزیه و تحلیل فرآیندهای بازسازی شهری در ژاپن از طریق خلاقیت فرهنگی و شمول اجتماعی صورت گرفت

به منظور فهم بهتر از هدف تحقیق، در زیر به ارائه مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است:



نمودار (۱): مدل مفهومی تحقق شهر خلاق

روش تحقیق

در این پژوهش سعی شده است با توجه به ماهیت و زمینه فرهنگی تحقیق از روشها و ابزار مناسب استفاده شود، بدین معنی که چون در این پژوهش دستیابی به الگو به عنوان هدفی عملی مورد نظر بوده و بر تأمین سعادت و رفاه فرهنگی عامه مردم و مطلوبیت فعالیتهای انجام شده، تأکید می شود، بنابراین به لحاظ هدف، کاربردی است و در صورت اجرای صحیح و دقیق آن می تواند به تولید اطلاعات سودمندی در زمینه برنامه ریزی، طرح و گسترش و نیز شیوه های عملی منجر گردد. تحقیق حاضر، از نظر معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. بنابراین روش اصلی در این پژوهش، روش پیمایشی است. با توجه به نوع متغیرها و فرضیات مورد نظر لازم است تا از روش پیمایش استفاده شود و روابط بین متغیرها از طریق ضرایب همبستگی مورد بررسی قرار گیرد. لذا روش تحقیق در این پژوهش شیوه پیمایشی است و اطلاعات آن براساس پرسشنامه جمع آوری شده است. ابتدا پرسشنامه اولیه تنظیم شده و پس از آزمون، پرسشنامه نهایی تدوین می شود. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و اهداف مورد نظر، جامعه آماری تحقیق حاضر شامل مجموعه شهروندان گروه سنی ۱۵ سال و بالاتر می باشند که در شهر تهران بزرگ سکونت دارند، با توجه به تعریف جامعه آماری هر یک از افراد این گروه سنی به عنوان واحد آماری محسوب می شود. که براساس آمار سال ۱۳۸۵ برابر ۶,۳۴۱,۲۹۷ نفر است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). از این تعداد ۳,۲۳۷,۶۲۳ نفر مرد و ۳,۱۰۳,۶۷۴ نفر زن را تشکیل می دهند. در این پژوهش با توجه به حجم جامعه آماری (گروه سنی ۱۵ سال و بالاتر)، از فرمول کوکلان استفاده شده که در آن حد مطلوب اطمینان در این پژوهش ۰/۹۵ در نظر گرفته شده در نتیجه سطح احتمال مورد نظر (d) برابر با ۰/۰۵ و اندازه متغیر در توزیع

طبیعی یا ضریب اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ است. برای تعیین واریانس، می‌توان از پیش‌برآورد استفاده کرد. بزرگ‌ترین نمونه لازم برای پاسخ‌گویی به سوالات یک تحقیق وقتی بدست می‌آید که احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه (p) برابر ۰/۵ باشد. در این صورت، اشتباه استاندارد کم‌ترین مقدار را به خود می‌گیرد. همچنین، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جامعه آماری (N) افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن در شهر تهران بزرگ برابر با ۶,۳۴۱,۲۹۷ است. نهایتاً، با توجه به داده‌های بالا و فرمول کوکران حجم نمونه (n) برابر با ۳۸۴ نفر خواهد بود. که این مقدار را برای کاهش خطای ناشی از نمونه‌گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسشنامه‌ها، به ۴۰۰ نفر افزایش داده شده است.

$$n = \frac{6.341.297 \times 1/96^2 \times 0/5^2}{6.341.297 \times 0/05^2 + 1/96^2 \times 0/5^2}$$

$$n = \frac{6.341.297 \times 3/8416 \times 0/25}{6.341.297 \times 0/0025 + 3/8416 \times 0/25}$$

$$n = 384$$

شیوه نمونه‌گیری در این مطالعه برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. جدول زیر جمعیت گروه سنی (۱۵ سال و بالاتر) شهر تهران را به تفکیک جنس نشان می‌دهد. بر اساس این جدول جمعیت گروه سنی (۱۵ سال و بالاتر) سال شهر تهران برابر ۶,۳۴۱,۲۹۷ نفر می‌باشد که بر طبق فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد. لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

جدول (۴): توزیع مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به تفکیک و تعداد نمونه

تعداد نمونه	نسبت مناطق	جمعیت هر منطقه			مناطق
		زن	مرد	کل	
۱۰	۱۰	۱۵۹,۹۳۸	۱۶۳,۴۴۶	۳۲۳,۳۷۴	۱
۱۵	۱۶	۲۵۹,۹۰۹	۲۵۹,۸۷۵	۵۱۹,۷۸۴	۲
۷	۸	۱۲۹,۸۳۱	۱۲۱,۸۱۷	۲۵۱,۶۴۸	۳
۲۰	۲۱	۳۲۲,۴۲۰	۳۴۴,۰۷۶	۶۶۶,۴۹۶	۴
۱۵	۱۹	۲۷۴,۱۰۸	۲۸۰,۸۰۱	۵۵۴,۹۰۹	۵
۶	۷	۱۰۳,۳۷۴	۱۰۴,۳۵۷	۲۰۷,۷۳۱	۶
۸	۸	۱۳۰,۰۲۹	۱۳۰,۳۰۴	۲۶۰,۳۳۳	۷
۹	۱۰	۱۵۶,۱۹۶	۱۵۶,۱۸۲	۳۱۲,۳۷۸	۸
۴	۴	۶۴,۱۳۲	۷۱,۰۱۱	۱۳۵,۱۴۳	۹
۸	۸	۱۲۶,۰۷۰	۱۲۹,۸۱۹	۲۵۵,۸۸۹	۱۰
۷	۷	۱۰۹,۰۳۷	۱۱۵,۴۱۹	۲۲۴,۴۵۶	۱۱
۶	۶	۹۲,۶۷۲	۱۰۶,۰۶۸	۱۹۸,۷۴۰	۱۲
۶	۶	۹۷,۴۵۳	۱۰۲,۴۶۷	۱۹۹,۹۲۰	۱۳
۱۲	۱۲	۱۸۵,۸۳۴	۱۹۹,۲۲۰	۳۸۵,۰۵۴	۱۴
۱۶	۱۶	۲۴۰,۶۰۱	۲۵۷,۹۸۳	۴۹۸,۵۸۴	۱۵
۷	۷	۱۱۱,۸۳۲	۱۱۷,۵۲۰	۲۲۹,۳۵۲	۱۶
۶	۶	۹۷,۶۹۸	۱۰۳,۷۴۶	۲۰۱,۴۴۴	۱۷
۷	۸	۱۱۸,۷۹۶	۱۲۷,۴۷۴	۲۴۶,۲۷۰	۱۸

۶	۶	۰/۰۳	۹۲,۲۴۳	۹۹,۴۱۳	۱۹۱,۶۵۶	۱۹
۸	۸	۰/۰۳	۱۲۸,۳۷۱	۱۳۳,۴۳۹	۲۶۱,۸۱۰	۲۰
۵	۴	۰/۰۲	۶۲,۲۸۸	۶۷,۶۱۲	۱۲۹,۹۰۰	۲۱
۳	۳	۰/۰۲	۴۰,۲۱۴	۴۶,۲۱۲	۸۶,۴۲۶	۲۲
۳۹۰		۱۰۰	۳,۱۰۳,۶۷۴	۳,۲۳۷,۶۲۳	۶,۳۴۱,۲۹۷	جمع

بدین صورت که ابتدا نقشه شهر تهران بر اساس مناطق ۲۲ گانه تهیه گردید. سپس بر طبق اطلاعات بدست آمده از شهرداری به ۲۴ خوشه تقسیم بندی گردید. در ادامه هر کدام از خوشه ها به شهرک ها و محله و در ادامه به بلوک هایی تقسیم بندی گردید. در مرحله بعد با استفاده از نمونه گیری تصادفی از هر خوشه، از بین محله های مشخص شده یک محله که معرف کل خوشه باشد انتخاب شد. در ادامه از داخل هر کدام از نواحی که به بلوک هایی مشخص تقسیم شده اند اطلاعات جمع آوری شد. بدین صورت که بین فهرست بلوک های هر قسمت تعیین شده، تعدادی بلوک (به تعداد یک دهم حجم نمونه در هر قسمت) به صورت تصادفی انتخاب و سپس با منظور کردن عدد ۱۰ به عنوان فاصله نمونه، در هر بلوک ۱۰ خانوار به صورت منظم انتخاب شدند. بعلاوه در هر بلوک نقطه شروع نمونه گیری از بین اعداد ۱ تا ۱۰ به صورت تصادفی تعیین شده است. شروع نمونه گیری در هر بلوک از سمت شمال شرقی آن و در جهت حرکت عقربه ساعت صورت گرفته و بلوک هایی که کمتر از ۱۰ خانوار دارند همراه با بلوک سمت غرب یا نزدیکترین بلوک مسکونی به آنها در نظر گرفته شدند.

اعتبار یا پایایی^۱

منظور از اعتبار آزمون، دقت اندازه گیری، اثبات و پایایی آن است. پایایی ابزار سنجش یعنی اینکه تا چه حد آن ابزار داده های دقیق و درستی را استخراج می کند و در طول زمان با ثبات است و نتایج همسان به دست می دهد. منظور از خطاهای اندازه گیری این است که وسیله اندازه گیری نتواند به درستی واقعیتی را در زمانهای مختلف و واقعیات مشابه را در یک زمان به درستی بشناسد و دگرگونیهای آن را اندازه گیری کند (Saroukhani, 2004). مقدار آلفای کرونباخ بین صفر و یک در نوسان است. مقدار آلفا باید حداقل ۰/۷۰ باشد و برخی هم این مقدار را ۰/۵۰ هم گفته اند.

جدول (۵): ضریب آلفای کرونباخ مقیاس های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ		تعداد	متغیرهای پنهان		مفهوم
مقیاس	خرده مقیاس		خرده مقیاس / خرده ابعاد	مقیاس / ابعاد	
۰/۸۲	۰/۸۷	۱۰	کالبدی شهر	کیفیت زندگی	توسعه پایدار
	۰/۷۲	۷	زیست محیطی		
	۰/۸۸	۵	وضعیت اقتصادی		
	۰/۶۷	۷	اوقات فراغت		
	۶۹۰	۱۰	فرهنگ و گردشگری		
۰/۸۱	۰/۸۱	۱۵	مشارکت اجتماعی	سرمایه اجتماعی	
	۰/۸۵	۸	اعتماد اجتماعی		
	۰/۷۷	۱۲	شبکه روابط اجتماعی و تعاون		
۰/۸۸	---	۶	واحد های تحقیق و توسعه	نوآوری	
			محققان واحد های تحقیق و توسعه		
			اختراعات و ابداعات		
			وجود تعداد پارکها و مراکز رشد علم و فناوری		

۱. Reliability

۰/۸۳	---	۶	وجود فعالیتهای تحقیق و توسعه	سرمایه انسانی خلاق
			وجود خوشه های صنعتی	
			فرهنگیان	
			نخبگان علمی	
			دانشجویان	
			تعدد شاغلان دارای تحصیلات عالی هنرمندان تنوع پذیری (باز بودن محیط و پذیرا بودن مهاجرین برای تحصیلا عالی)	

به این ترتیب داده ها را محک زده تا مشخص شود اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه تا چه میزان با واقعیت های شهر خلاق تطبیق دارند. برای این منظور ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می گردد.

یافته های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا، رابطه هر یک از متغیرهای مستقل به طور جداگانه با شاخص مشارکت جوانان سنجیده می شود، تا چگونگی رابطه آنها روشن شود و سپس با استفاده از تکنیک های پیشرفته آماری به تحلیل چند متغیری و آزمون فرضیات اصلی تحقیق پرداخته می شود.

فرضیه ۱: "به نظر می رسد میزان تحقق پذیری شهر خلاق بر حسب جنسیت شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد." از آنجایی که شهر خلاق دارای سطح سنجش فاصله ای و جنسیت دارای سطح سنجش اسمی و دو وجهی می باشد لذا برای بررسی میزان تحقق پذیری شهر خلاق بر حسب جنسیت از آزمون آماری t مستقل استفاده می شود. به منظور بررسی رابطه میزان تحقق پذیری شهر خلاق و ابعاد آن با جنسیت پاسخگویان از آزمون مقایسه میانگین ها استفاده گردید که آزمون آماری مناسب برای بررسی تفاوت میانگین ها است. نتایج این آزمون نشان می دهد که میان جنسیت (زنان و مردان) با میزان تحقق پذیری شهر خلاق و چهاربعد آن تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بنابراین میزان تحقق پذیری شهر خلاق در هر دو جنس (مرد و زن) مورد مطالعه یکسان نیست، و میانگین مردان بیشتر از زنان بوده است.

جدول (۶): جدول آماره های توصیفی دو گروه مردان و زنان

متغیرها	گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
سرمایه انسانی	مرد	۲۰۰	۳۵/۹۶	۸/۶۸۹	۲,۲۱۹	۳۸۸	۰.۰۲۷
	زن	۱۹۰	۳۴/۱۳	۷/۷۸۰			
نوآوری	مرد	۲۰۰	۴۸,۲۸	۹,۹۴۱	۳,۹۳۲	۳۸۸	۰,۰۰۰
	زن	۱۹۰	۴۵,۹۸	۸,۱۲۰			
سرمایه اجتماعی	مرد	۲۰۰	۱۸,۸۲	۵,۲۹۸	۲,۱۳۸	۳۸۸	۰,۰۱۲
	زن	۱۹۰	۱۵,۲۹	۴,۷۹۹			
کیفیت زندگی	مرد	۲۰۰	۲۲,۶۴	۴,۷۵۴	۱,۹۸۶	۳۸۸	۰,۰۳۰
	زن	۱۹۰	۲۱,۶۷	۳,۹۷۱			

بررسی رابطه میزان تحقق پذیری شهر خلاق و سن پاسخگویان

فرضیه ۲: بررسی رابطه متغیر سن و میزان تحقق پذیری شهر خلاق از طریق ضریب همبستگی پیرسون انجام شد. داده های این آزمون نشان می دهد که میان سن پاسخگویان و صور مشارکت با چهار بعد آن رابطه وجود نداشته است، بر این اساس، می توان چنین تحلیل کرد که افزایش سن پاسخگویان، با میزان تحقق پذیری شهر خلاق رابطه ای ندارد.

جدول (۷): ضریب همبستگی پیرسون بین سن جوانان و میزان مشارکت آنان

میزان تحقق پذیری شهر خلاق				ضرایب و سطح معناداری	متغیر مستقل
کیفیت زندگی	سرمایه اجتماعی	نوآوری	سرمایه انسانی		
۰,۰۷۶	۰,۰۸۴	۰,۰۷۸	۰,۰۹۴	ضریب همبستگی پیرسون	سن پاسخگویان
۰,۴۴۷	۰,۲۲۳	۰,۳۸۹	۰,۱۷۰	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد	
رد	رد	رد	رد	نتیجه آزمون	

نتایج بدست آمده از جدول آزمون پیرسون نشان می دهد که با ۹۵٪ اطمینان، و سطح معناداری بدست آمده برای هر یک از ابعاد میزان تحقق پذیری شهر خلاق بالاتر از ۰,۰۵ بوده است؛ از آنجایی که سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است لذا می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر سن جوانان و میزان تحقق پذیری شهر خلاق آنان رابطه معناداری وجود ندارد.

بررسی رابطه میزان تحقق پذیری شهر خلاق و تحصیلات پاسخگویان

فرضیه ۳: به نظر می رسد هر چه سطح تحصیلات جوانان افزایش یابد، میزان میزان تحقق پذیری شهر خلاق نیز افزایش می یابد. از آنجایی که تحصیلات دارای سطح سنجش رتبه ای است برای بررسی رابطه بین میزان تحقق پذیری شهر خلاق با سطح تحصیلات شهروندان، از آزمون پیرسون برای بررسی رابطه بین این دو متغیر استفاده می شود.

جدول (۸): ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات جوانان و میزان مشارکت

میزان تحقق پذیری مولفه های شهر خلاق				ضرایب و سطح معناداری	متغیر مستقل
کیفیت زندگی	سرمایه اجتماعی	نوآوری	سرمایه انسانی		
۰,۲۹۵	۰,۳۴۳	۰,۲۱۱	۰,۲۷۴	ضریب همبستگی پیرسون	سطح تحصیلات پاسخگویان
۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۷	۰,۰۰۴	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد	
تایید	تایید	تایید	تایید	نتیجه آزمون	

داده های جدول فوق نشان می دهد که میان هر چهار بعد میزان تحقق پذیری شهر خلاق با سطح تحصیلات شهروندان همبستگی معنادار (در سطح ۰,۰۵)، و مستقیم (مثبت) وجود دارد. این رابطه در مورد سرمایه انسانی خلاق (۰,۲۷۴)، نوآوری (۰,۲۹۵)، سرمایه اجتماعی (۰,۳۴۳)، متوسط رتبه بالا و قوی بوده اما در مورد کیفیت زندگی (۰,۲۰۰) این رابطه متوسط رو به پایین و ضعیف است. بنابراین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل جدول فوق حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات میزان تحقق پذیری شهر خلاق رابطه معنی داری وجود دارد، با توجه به نتایج به دست آمده از جدول، می توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۵. بین سطح تحصیلات و میزان تحقق پذیری شهر خلاق رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج بدست آمده از جدول آزمون پیرسون نشان می دهد که با ۹۵٪ اطمینان، و سطح معناداری بدست آمده برای هر یک از ابعاد میزان تحقق پذیری شهر خلاق بالاتر از ۰,۰۵ بوده است؛ از آنجایی که سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است لذا می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر تحصیلات و میزان تحقق پذیری شهر خلاق رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی رابطه میزان تحقق پذیری شهر خلاق و وضعیت تاهل پاسخگویان

فرضیه ۴: به نظر می رسد میزان تحقق پذیری شهر خلاق بر حسب وضعیت تاهل شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد. از آنجایی که میزان تحقق پذیری شهر خلاق دارای سطح سنجش فاصله ای و وضعیت تاهل دارای سطح سنجش اسمی و دو طبقه می باشد لذا برای بررسی میزان تحقق پذیری شهر خلاق بر حسب وضعیت تاهل از آزمون آماری t مستقل استفاده می شود.

جدول (۹): بررسی رابطه وضعیت تاهل و میزان صور مشارکت

متغیرها	گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
سرمایه انسانی خلاق	مجرد	۳۱۹	۳۴/۹۵	۷/۹۳۸	۰/۳۲۱	۳۷۵	۰/۱۲۴
	متاهل	۵۸	۳۵/۲۳	۹/۰۱۵			
نوآوری	مجرد	۳۱۹	۶۲/۲۴	۱۲/۳۲۱	۰/۵۲۴	۳۷۵	۰/۲۱۴
	متاهل	۵۸	۶۳/۴۵	۱۱/۶۵۴			
سرمایه اجتماعی	مجرد	۳۱۹	۳۲/۶۴	۸/۴۵۱	۰/۶۱۴	۳۷۵	۰/۰۸۷
	متاهل	۵۸	۳۳/۶۷	۷/۵۴۲			
کیفیت زندگی	مجرد	۳۱۹	۱۸/۴۷	۴/۳۵۶	۰/۲۴۷	۳۷۵	۰/۲۳۱
	متاهل	۵۸	۱۹/۳۲	۳/۶۲۳			

در جدول فوق نتایج تست لیون نشان می دهد که سطح معناداری بدست آمده برای میزان تحقق پذیری شهر خلاقه ترتیب برابر است با: ۰/۱۲۴، ۰/۲۱۴، ۰/۰۸۷، ۰/۳۲۱، از آنجایی که این اعداد بیش از ۰/۰۵ می باشد بنابراین بین میزان تحقق پذیری شهر خلاق و وضعیت تاهل رابطه معنادار وجود ندارد به این معنی که تفاوت معناداری بین میزان تحقق پذیری شهر خلاق در دو گروه مجرد و متاهل وجود ندارد.

بررسی رابطه تحقق شهر خلاق با متغیرهای مستقل

برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون ها در جدول های ذیل آورده شده است.

رابطه سرمایه انسانی خلاق با تحقق شهر خلاق

اولین فرضیه، بررسی رابطه سرمایه انسانی با تحقق پذیری شهر خلاق بود، و عنوان شد که بین سرمایه انسانی با تحقق پذیری شهر خلاق همبستگی و رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۱۰): ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه انسانی با تحقق پذیری شهر خلاق

متغیر وابسته	ضرایب و سطح معناداری	متغیر مستقل				
		شاخص سرمایه انسانی کل	نخبگان علمی	تنوع پذیری	دانشجویان	فرهیختگان
تحقق شهر خلاق	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۳۶	۰/۳۱۵	۰/۳۰۹	۰/۲۰۳	۰/۲۹۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰
	نتیجه آزمون	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید

داده های جدول فوق نشان می دهد که میان هر پنج بعد و شاخص کل سرمایه انسانی خلاق با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنادار (در سطح ۰/۰۵)، وجود دارد. این رابطه در مورد نخبگان علمی ($r=0.336$)، تنوع پذیری ($r=0.315$)، دانشجویان ($r=0.309$)، شاخص سرمایه انسانی کل ($r=0.360$) متوسط روبه بالا و قوی بوده اما در مورد هنرمندان ($r=0.292$) و فرهیختگان ($r=0.203$) این رابطه متوسط رو به پایین و ضعیف است. بنابراین می توان گفت که مولفه های سرمایه انسانی خلاق، می توانند تاثیرات خودشان را در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران را داشته باشند.

رابطه سرمایه اجتماعی با میزان تحقق شهر خلاق

دومین فرضیه، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با میزان تحقق شهر خلاق بود و عنوان شد که بین سرمایه اجتماعی با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی و رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۱۱): ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی با میزان تحقق شهر خلاق

شاخص سرمایه اجتماعی کل	متغیر مستقل			ضرایب و سطح معناداری	متغیر وابسته
	شبکه روابط	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی		
۰.۲۷۹	۰.۲۷۵	۰.۲۳۹	۰.۱۳۴	ضریب همبستگی پیرسون	تحقق شهر خلاق
۰,۰۰۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد	
تایید	تایید	تایید	تایید	نتیجه آزمون	

داده های جدول فوق نشان می دهد که میان هر سه بعد و شاخص کل سرمایه اجتماعی با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنادار (در سطح ۰,۰۵)، وجود دارد. این رابطه در مورد شبکه روابط ۰.۲۷۵، $r =$ ، مشارکت اجتماعی ۰.۲۳۹، $r =$ شاخص سرمایه اجتماعی کل ۰.۲۷۹، $r =$ متوسط بوده اما در مورد اعتماد اجتماعی ۰.۲۱۵، $r =$ این رابطه متوسط رو به پایین است.

رابطه نوآوری با میزان تحقق شهر خلاق

سومین فرضیه، بررسی رابطه نوآوری با میزان تحقق شهر خلاق بود، و عنوان شد که بین نوآوری با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنی داری و مستقیم وجود دارد.

جدول (۱۲): ضریب همبستگی پیرسون بین نوآوری با میزان تحقق شهر خلاق

شاخص نوآوری کل	متغیر مستقل						ضرایب و سطح معناداری	متغیر وابسته
	محققان	واحدهای تحقیق و توسعه	فعالیت تحقیق و توسعه	خوشه های صنعتی	اختراعات	مراکز رشد علم		
۰,۴۹۸	۰,۲۹۸	۰,۱۸۷	۰,۲۸۷	۰,۳۰۲	۰,۴۳۱	۰,۴۴۷	ضریب همبستگی پیرسون	تحقق شهر خلاق
۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد	
تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	نتیجه آزمون	

داده های جدول فوق نشان می دهد که میان هر پنج بعد و شاخص کل نوآوری با میزان میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنادار (در سطح ۰,۰۵)، و مستقیم (مثبت) وجود دارد. این رابطه در مورد مراکز رشد ۰,۴۴۷، اختراعات ۰,۴۳۱، خوشه های صنعتی ۰,۳۰۲، واحدهای تحقیق و توسعه ۰,۳۱۱، و محققان ۰,۲۹۸، و شاخص نوآوری کل ۰,۴۹۸، متوسط رو به بالا و قوی بوده اما در مورد واحدهای تحقیق و توسعه ۰,۱۸۷، که این رابطه متوسط رو به پایین است.

رابطه کیفیت زندگی با میزان تحقق شهر خلاق

چهارمین فرضیه، بررسی رابطه کیفیت زندگی با میزان تحقق شهر خلاق بود، و عنوان شد که کیفیت زندگی با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنی داری و مستقیم وجود دارد.

جدول (۱۳): ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت زندگی با میزان تحقق شهر خلاق

شاخص کیفیت زندگی کل	متغیر مستقل					ضرایب و سطح معناداری	متغیر وابسته
	وضعیت کالبدی	زیست محیطی	وضعیت اقتصادی	اوقات فراغت	فرهنگ و گردشگری		
۰,۳۶۹	۰,۲۱۱	۰,۲۷۴	۰,۳۴۷	۰,۳۲۹	۰,۲۵۷	ضریب همبستگی پیرسون	تحقق شهر خلاق
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد	
تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	نتیجه آزمون	

داده های جدول فوق نشان می دهد که میان هر پنج بعد و شاخص کل کیفیت زندگی با میزان تحقق شهر خلاق همبستگی معنادار (در سطح ۰,۰۵)، و مستقیمی وجود دارد. این رابطه در مورد وضعیت اقتصادی ۰,۳۴۷، اوقات فراغت ۰,۳۲۹، شاخص مشارکت کل ۰,۳۶۹،

متوسط روبه پایین بوده اما در مورد وضعیت زیست محیطی ۰,۲۷۱ و وضعیت کالبدی ۰,۲۴۷، و فرهنگ و گردشگری ۰,۲۲۹، این رابطه پایین و ضعیف است.

نتایج مدل ای.ان.پی^۱ مبتنی بر بررسی معیارهای شهر خلاق در مناطق شهری تهران

شهر تهران با ۹۴ درمانگاه و بیمارستان، ۱۰۲ دانشگاه، ۷۴ هتل، ۱۲۹ فرهنگسرا، ۳۹۹۸ مرکز آموزشی که تعداد ۲۱۷۱ مرکز مربوط به مراکز آموزشی دولتی و ۱۸۲۷ مربوط به مراکز آموزشی بصورت غیر انتفاعی تا مقاطع متوسط و ... دارای ظرفیت بالقوه ای برای حرکت به سوی تحقق شهر خلاق می باشد، کما آن که تعدادی از این مراکز آموزشی ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه، دارای سیستم های فناوری اطلاعات می باشند که زمینه های خلاقیت را در بین دانش آموزان افزایش می دهند.

در ارتباط با ایجاد معیارهای ایجاد خلاقیت و نوآوری در مناطق شهر تهران شاخص های مختلفی در نظر گرفته شده است. به گونه ای که با ایجاد ارتباط درون گروهی و برون گروهی بین عناصر و شاخص ها، تاثیرات هر یک از این عناصر در افزایش میزان خلاقیت در شهروندان مناطق مختلف تهران مشخص می شود. در این تحقیق معیارها در چهار خوشه شامل خوشه های نوآوری، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و کیفیت زندگی که هر یک از آنها در برگیرنده تعدادی عناصر تاثیر گذار می باشند، قرار گرفته اند به گونه ای که علاوه بر ارتباط درون گروهی، در بین خوشه ها نیز وابستگی وجود دارد.

جدول (۱۴): ماتریس مقایسه زوجی و وزن خوشه ها

ردیف	متغیرها	نوآوری	سرمایه اجتماعی	سرمایه انسانی خلاق	کیفیت زندگی	وزن نسبی	وزن نهایی
۱	نوآوری	۱	۰,۴۱۸۱	۰,۲۷۰۷	۰,۲۹۲۵	۰,۶۷۵	۰,۲۶۵
۲	سرمایه اجتماعی	۰,۴۲۲۷	۱	۰,۴۱۸۱	۰,۴۲۲۷	۰,۴۸۷	۰,۱۷۸
۳	سرمایه انسانی خلاق	۰,۱۷۴۴	۰,۱۹۰۶	۱	۰,۱۸۴۹	۰,۵۹۴	۰,۱۹۶
۴	کیفیت زندگی	۰,۲۶۵۵	۰,۲۷۰۷	۰,۱۹۰۶	۱	۰,۴۶۷	۰,۱۶۹

همانطوری که در جدول فوق مشاهده می شود، نتایج حاصل از مدل تحلیل شبکه نشان می دهد که معیار نوآوری بیشترین تاثیر (۰,۲۶۵) را در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران را دارد. در این میان شاخص های تعداد مراکز علم و فناوری، تعداد اختراعات به ترتیب با میزان ۰,۰۳۵ و ۰,۰۳۲ بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارند.

در مرتبه دوم سرمایه های انسانی خلاق (۰,۱۹۶)، به ویژه تعداد نخبگان علمی در محلات شهر با میزان ۰,۱۹۳ و مهاجرین وارد شده برای تحصیلات عالی با میزان ۰,۱۲۷ بیشترین نقش را در تحقق محلات خلاق و بهبود مسائل شهری در مناطق شهر تهران دارند. در مرحله سوم، سرمایه اجتماعی با (۰,۱۷۸) در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران موثر است، که از بین شاخص های سرمایه اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و تعاون با میزان ۰,۱۱۳ بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارد. در مرحله آخر، کیفیت زندگی با (۰,۱۶۹) نیز در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران موثر است، که از بین شاخص های کیفیت زندگی، وضعیت اقتصادی و اوقات فراغت به ترتیب با میزان ۰,۱۱۱ و ۰,۰۷۹ بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارند.

جدول (۱۵): تعیین اثرات هر یک از مولفه های شهر خلاق در تحقق شهر خلاق در محلات شهر تهران

معیارها	وزن عمومی	وزن خوشه ها	وزن نهایی	وزن متوسط
نوآوری	۰,۱۱۰	۰,۲۶۵	۰,۰۲۹	۰,۰۰۷۷
سرمایه اجتماعی	۰,۰۸۱	۰,۱۷۸	۰,۰۱۴	۰,۰۰۲۵
سرمایه انسانی خلاق	۰,۰۸۳	۰,۱۹۶	۰,۰۱۶	۰,۰۰۳۱
کیفیت زندگی	۰,۰۷۱	۰,۱۶۹	۰,۰۱۲	۰,۰۰۲۰

^۱. ANP

در جدول فوق ملاحظه می شود، از یک طرف، افزایش و بهبود معیارهای شهر خلاق تاثیرات خود را در حرکت محلات شهر تهران، به سمت تحقق شهر خلاق می گذارد و از طرف دیگر میزان این تاثیرگذاری بسیار متفاوت است. به گونه ای که بر اساس نتایج مدل تحلیل شبکه، معیار نوآوری بیشترین تاثیر با میزان (۰,۰۷۷) و سرمایه انسانی خلاق با میزان (۰,۰۳۱) در رتبه دوم و سرمایه اجتماعی با (میزان ۰,۰۲۵) در رتبه سوم و در نهایت کیفیت زندگی با میزان (۰,۰۲۰) کمترین تاثیر را در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران دارد.

سطح بندی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از لحاظ شاخص های شهر خلاق با استفاده از مدل تاپسیس^۱

در پژوهش حاضر برای سطح بندی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از مدل تاپسیس استفاده شده است. این مدل در سال ۱۹۹۲ توسط چن و هوانگ ارائه شده است یکی از روش های پر کاربرد در میان روش های تصمیم گیری چند شاخصه می باشد که بر مبنای محاسبه ی فاصله گزینه ها از راه حل ایده ال مثبت و ایده ال منفی استوار است و یکی از مهمترین مزیت های این مدل اینست که معیارهای کمی و کیفی را تومان در مکان یابی دخالت می دهد (حکمت نیا و میر نجف موسوی ۱۳۹۰) با توجه به شاخص های مورد استفاده از طریق داده های ثانویه و پرسشنامه و محاسبه میزان تاپسیس میزان برخورداری مناطق ۲۲ گانه شهر تهران طبق جدول شماره به دست آمد:

جدول (۱۶): رتبه بندی محلات شهر تهران به لحاظ میزان خلاقیت و تحقق محلات خلاق

رتبه	نام مناطق	ضریب اولویت (رتبه)	میانگین ضریب اولویت	میزان برخورداری
۱	منطقه ۴	۰,۷۳۵	۰,۶۹۵	برخوردار
۲	منطقه ۵	۰,۷۱۴		
۳	منطقه ۶	۰,۷۱۴		
۴	منطقه ۲	۰,۶۸۱		
۵	منطقه ۲۲	۰,۶۳۱		
۶	منطقه ۱	۰,۴۸۷	۰,۴۰۴	نیمه برخوردار (متوسط)
۷	منطقه ۱۴	۰,۴۷۳		
۸	منطقه ۱۵	۰,۴۷۳		
۹	منطقه ۸	۰,۴۲۱		
۱۰	منطقه ۳	۰,۴۰۳		
۱۱	منطقه ۱۲	۰,۳۹۷		
۱۲	منطقه ۱۱	۰,۳۹۷		
۱۳	منطقه ۱۰	۰,۳۴۵		
۱۴	منطقه ۲۱	۰,۳۲۱		
۱۵	منطقه ۲۰	۰,۳۲۱		
۱۶	منطقه ۷	۰,۲۸۷	۰,۲۲۳	فرو برخوردار (محروم)
۱۷	منطقه ۱۸	۰,۲۷۴		
۱۸	منطقه ۱۶	۰,۲۵۳		
۱۹	منطقه ۱۳	۰,۲۳۱		
۲۰	منطقه ۱۹	۰,۲۰۶		
۲۱	منطقه ۱۷	۰,۱۸۹		
۲۲	منطقه ۹	۰,۱۲۲		

^۱-TOPSIS

بر طبق جدول شماره و متغیرهای انتخابی رتبه ۱ را از لحاظ شاخص های شهر خلاق منطقه ۴ تهران با میانگین ۰,۷۳۵ بدست آورد. منطقه ۵ و ۶ تهران رتبه ۲ با میانگین ۰,۷۱۴ و رتبه ۳ با میانگین ۰,۶۸۱ را منطقه ۲ تهران بدست آورد. و همچنین منطقه ۲۲ رتبه ۴ با میانگین ۰,۶۳۱، منطقه ۱ رتبه ۵ با میانگین ۰,۴۸۷، منطقه ۱۴ و ۱۵ رتبه ۶ با میانگین ۰,۴۷۳، منطقه ۸ رتبه ۷ با میانگین ۰,۴۲۱، منطقه ۳ رتبه ۸ با میانگین ۰,۴۰۳، و... و آخرین رتبه را منطقه ۹ با رتبه ۲۲ و با میانگین ۰,۱۲۲ را کسب نموده است.

برای شناخت بهتر مناطق از لحاظ برخورداری از شاخص های شهر خلاق و تعیین اولویت با عنایت به نتایج بدست آمده از مدل تاپسیس مناطق در سه سطح برخورداری، نیمه برخورداری (متوسط)، فرو برخورداری (محروم) مورد سنجش قرار گرفت که نتایج بدست آمده به شرح زیر است:

- ✓ مناطق ۴، ۵، ۶، ۲، ۲۲ با میانگین ضریب اولویت ۰,۶۹۵ سطح اول یعنی سطح برخورداری را به خود اختصاص دادند.
- ✓ -مناطق ۱، ۱۴، ۱۵، ۸، ۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۲۱، ۲۰ با میانگین ضریب اولویت ۰,۴۰۴ سطح دوم یعنی متوسط (نیمه برخورداری) را کسب کردند.
- ✓ -مناطق ۷، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۹، ۱۷، ۹ با میانگین ضریب اولویت ۰,۲۲۳ در سطح سوم (محروم) از لحاظ شاخص های شهر خلاق قرار گرفتند.

آزمون فرضیه چند متغیره: آزمون رگرسیون چندگانه

بر مبنای فرضیه چندمتغیره تحقیق می توان با استفاده از آزمون تحلی لرگرسیون چندگانه، به آزمون فرضیه تحقیق پرداخت. در واقع به عقیده فرد کرلین جر، بر مبنای آزمودن رابطه متغیرهای موجود در فرضیه ها، که براساس آن فرضیه ها مردود یا پذیرفته می شوند (کرلین جر و پدهازور، ۱۳۶۶) می توان بر مبنای فرضیه چند متغیره تحقیق جهت اخذ همبستگی متغیرها و نیکوئی برازش مدل نظری و همچنین برای تحلیل کنترل آماری متغیرها، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده نمود در تحلی لرگرسیون چندگانه، با استفاده از روش همزمان (در سطح معناداری قابل قبول)، باترسیم معادله رگرسیون استاندارد، می توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرها مستقل به اندازه ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت .

از مهمترین اهداف این پژوهش بررسی میزان اثرگذاری هریک از مولفه های شهرخلاق (سرمایه های انسانی خلاق، نوآوری، سرمایه های اجتماعی و کیفیت زندگی) در تحقق پذیری شهر خلاق در هر یک از مناطق شهر تهران است. برای آزمون این فرضیه، از ضریب رگرسیون و تحلیل شبکه ای .ان . پی. استفاده شده است. ضریب همبستگی چندگانه (R) محاسبه رابطه مولفه های شهر خلاق و وضعیت موجود این مولفه ها در مناطق شهر تهران را با میزان ۰,۶۲۸. تایید می کنند. در جدول شماره (۴-۳۰) R^2 ضریب تبیین محاسبه شده را نشان می دهد. ۳۹۵. درصد از تغییرات تحقق مناطق خلاق شهر تهران ناشی از بهبود و افزایش بکارگیری مولفه های شهر خلاق است. برای تحلیل چند متغیره در خصوص مولفه های شهر خلاق، ابتدا متغیرهای (سرمایه های انسانی خلاق، نوآوری، سرمایه های اجتماعی و کیفیت زندگی) را به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر تحقق پذیری شهر خلاق به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی شدند. نتایج به قرار زیر می باشد:

جدول (۱۷): نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مولفه های شهر خلاق و تحقق شهر خلاق در مناطق تهران

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تبیین R^2	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۲۸	۰/۳۹۵	۰/۳۰۲	۱/۳۰۲۵۵

جدول (۱۸): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه های شهر خلاق و تحقق شهر خلاق

ضرایب	مجموع مجذورات	df	میانگین	F	سطح معناداری
اثر رگرسیون	۴۲۳۴,۴۵۷	۵	۸۴۶,۸۹۱۴	۲,۹۱۵	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۱۱۲۳۵,۴	۲۸۳	۲۹۰,۴۳۱۸		
کل	۱۱۵۴۶۹,۸	۳۸۸	۰		

جدول (۱۹): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون برای مولفه های شهر خلاق

عنوان متغیر	ضرایب غیر استاندارد		مقدار T	سطح معناداری
	B	اشتباه استاندارد		
عدد ثابت (Constant)	۲/۰۹۷	۱/۳۵۵	۱۱/۵۴۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۵۲۰	۰/۱۲۸	۳/۷۶	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی	۰/۳۳۵	۰/۱۳۰	۲/۵۸	۰/۰۱۲
نوآوری	۰/۶۲۳	۰/۱۰۹	۵/۶۹	۰/۰۰۰
سرمایه انسانی خلاق	۰/۴۵۷	۰/۱۴۹	۳/۴۲	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود مقدار ضریب تعیین برابر است با: $R^2 = ۰/۳۹$ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می توانند تا ۳۹ درصد از تغییرات تحقق مناطق خلاق شهر تهران که ناشی از بهبود و افزایش بکارگیری مولفه های شهر خلاق استرا توضیح دهند و یا تبیین کنند و ۶۱ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است. همچنین بر اساس اطلاعات جدول فوقی توان دریافت که سطح معناداری آزمون F برای متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، یا متغیر وابسته (شهر خلاق) در حدود ۰,۰۰۰ می باشد که بر اساس سطح معناداری که کمتر از ۰,۰۵ شده است، بنابراین می توان دریافت که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته دیده می شود، مقدار F معنی دار بودن رگرسیون را تایید می کند. در جدول نهایی مدل رگرسیونی بدست آمده دارای برازش و نکویی می باشد و یا عبارتی قابل اطمینان است.

میزان همبستگی متغیرهای مستقل وارد شده در مدل در حدود ۰,۶۲۸ می باشد که همبستگی قوی را نشان می دهد. به این ترتیب معادله رگرسیونی پژوهش عبارت است از:

$$\text{نوآوری } ۰/۶۲۳ + \text{کیفیت زندگی } ۰/۳۳۵ + \text{سرمایه اجتماعی } ۰/۵۲۰ + \text{مقدار ثابت } (۲,۰۹۷) = \text{شهر خلاق}$$

$$+ \text{سرمایه انسانی خلاق } ۰/۴۵۷$$

با توجه به نتایج حاصله، می توان معادلات رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد را چنین نوشت:

معادله رگرسیون غیر استاندارد چنین است:

$$Y = a + bX + bX + bkXk$$

$$\text{نوآوری } ۰/۶۲۳ + \text{کیفیت زندگی } ۰/۳۳۵ + \text{سرمایه اجتماعی } ۰/۵۲۰ + \text{مقدار ثابت } (۲,۰۹۷) = \text{شهر خلاق}$$

$$+ \text{سرمایه انسانی خلاق } ۰/۴۵۷$$

معادله رگرسیون استاندارد نیز به صورت زیر است:

$$ZY = Bz + BZ + BkZk$$

$$\text{نوآوری } ۰/۲۹۶ + \text{کیفیت زندگی } ۰/۲۱۵ + \text{سرمایه اجتماعی } ۰/۲۷۸ + \text{مقدار ثابت } (۲,۰۹۷) = \text{شهر خلاق}$$

$$+ \text{سرمایه انسانی خلاق } ۰/۲۱۷$$

به این ترتیب رگرسیون خطی فوق به میزان ۳۹ درصد می تواند مقدار Y (میزان تحقق پذیری شهر خلاق) را پیش بینی کند. می توان نتیجه گرفت اگر چه فرض بديهی ارتباط بین مولفه های شهر خلاق و تحقق شهر خلاق بر اساس ضریب رگرسیون به روشنی مشخص شده است، اما همواره صرف بهبود مولفه های شهر خلاق، شهر خلاق تحقق پیدا نمی کند، بلکه نیازمند بستر سازی ریز شاخص های اصولی مولفه های شهر خلاق می باشد. در این پژوهش میزان تاثیرگذاری هر یک از مولفه های شهر خلاق مورد بررسی قرار گرفت

و روشن شد که همه مولفه ها به یک میزان در تحقق پذیری محلات خلاق در شهر تهران تاثیر ندارند، بلکه اولاً به شکل زنجیره بستگی به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در تمام زیر شاخص های این مولفه ها دارند. بنابراین فرضیه های مورد بررسی مورد تایید قرار می گیرد.

نتیجه گیری

شهر خلاق و نو آور از مباحث جدید در حوزه مطالعات شهری توسط، جغرافی دانان، اقتصاد دانان و جامعه شناسان در رسیدن به جامعه ی دانایی و توسعه دانایی محور مورد تاکید قرار گرفته است. در این راستا شهر به عنوان محل شکل گیری خلاقیت، دانایی، صنایع خلاق و نو اور و اقتصاد دانایی در یک رویکرد ترکیبی در نظر گرفته شده است. حرکت به سوی تحقق و ایجاد شهر های خلاق راهکار اساسی برای حل این گونه بحران ها میباشد. در این گونه شهر ها با تاکید بر نخبگان و متخصصین برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، شهر سازان و سایر علوم مربوطه، شهر ها تبدیل به مکان جذاب برای مطالعه، محل کار و حفظ نخبگان شهر میگردد. و با بهبود کیفیت دانشگاه ها و مراکز علمی، کیفیت کار، کیفیت زندگی، سطح تحمل و شیوه زندگی میتوان در این مسیر حرکت کرد.

بررسی وضعیت سطح بندی شاخص ها نشان می دهد، که منطقه ۴ تهران با میانگین ۰,۷۳۵، رتبه ۱ را از لحاظ شاخص های شهر خلاق بدست آورده است. منطقه ۵ و ۶ تهران رتبه ۲ با میانگین ۰,۷۱۴، و رتبه ۳ با میانگین ۰,۶۸۱، را منطقه ۲ تهران بدست آورد. همچنین منطقه ۲۲ رتبه ۴ با میانگین ۰,۶۳۱، منطقه ۱ رتبه ۵ با میانگین ۰,۴۸۷، منطقه ۱۴ و ۱۵ رتبه ۶ با میانگین ۰,۴۷۳، منطقه ۸ رتبه ۷ با میانگین ۰,۴۲۱، منطقه ۳ رتبه ۸ با میانگین ۰,۴۰۳، و... و آخرین رتبه را منطقه ۹ با رتبه ۲۲ و با میانگین ۰,۱۲۲، را کسب نموده است. در نهایت می توان نتیجه گرفت که منطقه ۴ در شاخص های مورد مطالعه در بالاترین سطح از نظر میزان خلاقیت و منطقه ۹ در پایین ترین سطح از نظر خلاقیت قرار دارند و با توجه به وجود خلاقیت های موجود در هر منطقه میتوان با سرمایه گذاری و برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت همه مناطق را به یک میزان و با حرکت یکسان توزیع عادلانه خدمات و امکانات جهت تحقق شهر خلاق حرکت کنند.

برای شناخت بهتر مناطق از لحاظ برخورداری از شاخص های شهر خلاق و تعیین اولویت با توجه به نتایج بدست آمده از مدل تاپسیس، مناطق در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار (متوسط)، فرو برخوردار (محروم) مورد سنجش قرار گرفت که نتایج بدست آمده به شرح زیر است: مناطق ۴، ۵، ۶، ۲، ۲۲ با میانگین ضریب اولویت ۰,۶۹۵، سطح اول یعنی سطح برخورداری از میزان تحقق پذیری شهر خلاق را به خود اختصاص دادند. مناطق ۱، ۱۴، ۱۵، ۸، ۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۲۱، ۲۰ با میانگین ضریب اولویت ۰,۴۰۴، سطح دوم یعنی متوسط (نیمه برخوردار) را کسب کردند. مناطق ۷، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۹، ۱۷، ۹ با میانگین ضریب اولویت ۰,۲۲۳ در سطح سوم (محروم از لحاظ شاخص های شهر خلاق) قرار گرفتند.

نتایج پژوهش نشان می دهد، از یک طرف، افزایش و بهبود معیارهای شهر خلاق تاثیرات خود را در حرکت محلات شهر تهران، به سمت تحقق شهر خلاق می گذارد و از طرف دیگر میزان این تاثیر گذاری بسیار متفاوت است. به گونه ای که براساس نتایج مدل تحلیل شبکه، م عیار نوآوری بیشترین تاثیر (۰,۲۶۵) را در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران را دارد. در این میان شاخص های تعداد مراکز علم و فناوری، تعداد اختراعات به ترتیب با میزان ۰,۰۳۵ و ۰,۰۳۲، بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارند. در مرتبه دوم سرمایه های انسانی خلاق (۰,۱۹۶)، به ویژه تعداد نخبگان علمی در محلات شهر با میزان ۰,۱۹۳ و مهاجرین وارد شده برای تحصیلات عالی با میزان ۰,۱۲۷، بیشترین نقش را در تحقق محلات خلاق و بهبود مسائل شهری در مناطق شهر تهران دارند. در مرحله سوم، سرمایه اجتماعی با (۰,۱۷۸) در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران موثر است، که از بین شاخص های سرمایه اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و تعاون با میزان ۰,۱۱۳، بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارد. در مرحله آخر، کیفیت زندگی با (۰,۱۶۹) نیز در حرکت یک محله به سمت محله خلاق در شهر تهران موثر است، که از بین

شاخص های کیفیت زندگی، وضعیت اقتصادی و اوقات فراغت به ترتیب با میزان ۰،۱۱۱، ۰،۷۹ و بیشترین نقش را در تحقق شهر خلاق تهران دارند.

بنابراین شاخص نوآوری و سرمایه انسانی خلاق، به مراتب بیشترین تاثیر را در حرکت مناطق به سمت مناطق خلاق در شهر تهران را داشته است. در این میان شاخص های کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی به ترتیب نقش کمتری را در تحقق شهر خلاق تهران دارند.

پیشنهادات و راهکارها

۱. توسعه فعالیت های خلاقانه و فرهنگی در شهر تهران به ویژه مناطق در سطح فرو برخوردار (محروم) که از لحاظ شاخص های خلاقیت شهری در وضعیت بدی قرار دارند. زیرا توسعه فعالیت های خلاقانه و فرهنگی وسیله ای قدرتمند برای توسعه اجتماعی هستند و فرصت هایی برای محلات و گروه های اجتماعی که دچار وضعیت نامساعدی می باشد فراهم می سازد.
۲. تشکیل انجمن نخبگان و اتاق های فکر نخبگان مدیریت شهری، در شهر تهران برای پر کردن خلاء موجود در نظام تصمیم گیری و کمک به نیروهای مدیریتی تا بتوانند با کمک فکری به مدیران شهری در برنامه های اجرایی و پژوهشی پلی بین اجرای مطلوب پروژه های شهری و دانش حاصل کرده و با پشتیبانی فکری و مشاوره ای و بانفس پر رنگایده های نخبگان جامعه، حل مشکلات را به عهده بگیرند، به گونه ای که این مراکز با خلق افکار و ایده های فرو برخوردار (محروم نو و پرورش و ارائه آن به مدیران با ارتباط با دانشگاه و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در بهره برداری از فرصت های جدیدو ایجاد منابع بیشتر برای هر یک از مناطق شهر تهران گام بردارند. شهر تهران با تاکید
۳. توزیع عادلانه خدمات و امکانات علمی و فناوری و همچنین مراکز آموزش عالی در سطح محلات شهر با تاکید بر سرمایه گذاری بیشتر در محلات سطح پایین برای ایجاد هماهنگی در توسعه و حرکت همه محلات به سمت تحقق شهر خلاق.
۴. گسترش مراکز آموزش های آزاد علمی و همچنین توسعه دفاتر کارآفرینی برای توسعه جامعه دانایی در کل محلات شهر تهران.
۵. از آن جایی که نیروی انسانی خلاق ارتباط نزدیکی با نوآوری و توسعه در شهر دارند، با گسترش امکانات و توزیع عادلانه آنها زمینه های پرورش افراد خلاق در هر یک از محلات فراهم گردد.
۶. بهبود وضعیت اقتصادی ساکنین محلات با استفاده از گسترش دفاتر کارآفرینی شهری و پرورش متخصصین رشته های مختلف.
۷. تقویت نهادها، تشکلهای و گروه های مدنی جهت افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر.
۸. ایجاد فضایی برای مشارکت بیشتر شهروندان در شهر تهران.
۹. برگزاری جشنواره ها، کارگاه ها و نمایشگاه ها برای گروه های مختلف سنی و خانواده ها و ایجاد خانه های هنر برای حمایت از طرح های خلاقانه در شهر تهران.
۱۰. ایجاد همگرایی بین متخصصین جامعه در رشته هایی جهت مدیریت مطلوب شهر خلاق.
۱۱. بالا بردن میزان آموزش های الکترونیک جهت دانایی محور توسعه دانایی در شهر خلاق.
۱۲. بهبود شرایط درمانی و ایجاد بیمارستان جهت افزایش کیفیت زندگی و بالا بردن سطح تحمل شهر خلاق.
۱۳. حمایت از هنرمندان و افراد خلاق به ویژه جوانان جهت تبدیل شهر به یک مکان جذاب.

1. Ashtari H, Mahdanezhad H. (2014) Creative City, Creative Floor, Tehran: Tisa Publishing, Second Edition.
2. Authenti City. (2008). Creative City Planning Framework A Supporting Document to the Agenda for Prosperity: Prospectus for a Great City” Prepared for the City of Toronto. .2008 .p21
3. Coletta, C .(2008) .Fostering the Creative City.CEOS for cities. August 2008.p4
4. Ebrahimi M (2008). Creative City Meeting; Concepts, Policies, Case study of successful and unsuccessful cities, Urban Studies and Planning Center of Tehran, Niavaran Cultural Center, Tehran
5. Florida, Richard (2011). Cities and the Creative Floor, Translated by Ibrahim Ansari and Mohammad Esmaeil Ansari, Sociologists Publishing, First Edition.
6. Florida, R (2005). Cities and creative class, Routledge, New York-London.
7. Florida, R (2002). The Rise of the Creative ClasS: AND How It’s Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life, New York: Basic Books.
8. Ghadami M, Nazmandand M. (2017), Intercultural Knowledge Management
9. Ghorbani R, Hosseinabadi S and Taani A (2013) Creative Cities, A Cultural Approach to Urban Development, Geographic Studies of Arid Areas, Third Year, Issue 11, Spring 1392, pp. 18-1.
10. Kalantari B, Yaragholi V and Rahmati A (2012) Collective space and creative city, Journal of Landscape Science, Vol. 4, No. 19, Summer 2012, Pages 79-74
11. Kanoni R, Heidari M (2014). Sustainable Urban Management with Creative City Approach, Urban Planning and Management, August
12. Khansefidi M (2012). Urban Management and Creative City, Urban Science Journal, Vol. 4, No. 19, Summer 2012, Pages 95-92
13. Landry C (2015). Creative City, Translation by Mahmoud Abdollahzadeh, Nashr-e-Tahhshi-Farangi, Tehran, First Edition
14. Mohammadi K and Majidfar F (2010). The Days of Creative Cities, The Monthly of the City of Shahr-dari, No. 100, pp. 21-16.
15. Mokhtari Malekabadi R, Saghaei M and Imani F (2014). Levels of the fifteen regions of Isfahan in terms of indicators of the creative city using regional planning models, Journal of Urban Planning and Research, Vol. 5, No. 16, Spring 2014, Pages 120-105
16. Moosavi M, Shokri P and World S (2014). Assessment of the Relevance of Components of the Creative City, Case Study of Bonab City, First National Conference on Urbanism, Urban Management and Sustainable Development, Tehran, Iran Institute, Iranian Architecture Society
17. Musterd, S. (2010). The Creative Cultural Knowledge City, Some Conditions. Paper presented at the University of Kaiserslautern, 2002.p2
18. Rafiean M (2010). Income on Creative Regions and Cities, Shahriariyah Monthly, No. 100, pp. 15-12
19. Rezaian Gharoghosloo A, Ghaderi I & Mir Abbasi R (2012). Creative City Planning, First Edition, Tehran, Azarakhsh Publications
20. Saroukhani B (2004). Research Methods in Social Sciences, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies
21. Sasaki, masayuki .(2008): Developing creativecities through networking, mar 3-15.
22. Simeti, M. (2006).The creative city: moving from ideas to planning practice. Massachusetts Institute of Technology.p13
23. Shahebian P, Passer E (2012). The Link of the Creative Environment to the City, Pars Journal, No. 19, pp. 73-68
24. Zarabi A, Mousavi M and Bagheri Kashkoli A (2014) Investigating the Realization of Creative City (Comparative Comparison Between Indicators of Sustainable Urban Development and Criteria for Creating a Creative City, Case Study: Cities of Yazd Province), Geography Magazine and Urban Development, Fall and Winter 2014, Volume 1, Number 1, pp. 1-17
25. Zimmerman, J (2008) from brew town to cool town: neoliberals and creative city development strategy in Milwaukee. Cities 25,230–242.